



GARDESHGAR  
Travel journal | Vol: 2 | Issue: 6 | The Third Week of June

# Top 10

Out-of-the-Way Restaurants  
That Are Vacations on Their Own  
Visiting the Turkmen houses  
The happiness of being at  
Poonezar waterfall  
Ace To Ace Expedition  
Crosses Iran



# گردشگر

ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا / سال دوم / دوره جدید / شماره ششم / ویژه خردادماه ۹۴

راهنمای تور طبیعت‌گردی اسالم به خلخال

## جاده‌ای که جاذبه شد

نگاهی به نمایشگاه سالانه ملی نقاشی اصفهان  
از نگاه گردشگر در موزه هنرهای معاصر اصفهان  
اصفهان در نقالی رنگ‌ها

معرفی ۱۰ رستوران منحصر به فرد دنیا

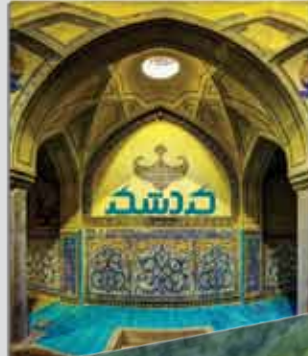
## از بالای آلپ تاجر اقیانوس هند!

برگردان سفرنامه مادام دیبالفوی از فرانسه به فارسی  
زمان؛ مخوف‌ترین دشمن بناهای شرقی

میانکاله در خطر است

پیک نیک در پناهگاه حیات وحش





# کدشتک

راهنمای تور طبیعت گردی اسالم به خلخال

## جاده‌ای که جاذبه شد

نگاهی به نمایشگاه سالانه ملی نقاشی اصفهان  
از نگاه گردشگر در موزه هنرهای معاصر اصفهان  
اصفهان در نقالی رنگ‌ها

مهر ۱۰ دستوران مجید به کدشتک

## از بالای آلپ تاقیر اقیانوس هند!

میراث جهانی یونسکو، شکار با اسلحه در فرانسه به فرانس  
زمان: مخوف ترین دشمن بناهای شرقی  
سایکال در خطرات  
بیک نیک در بناهاکاه حیات وحش

خود را به هزاران خواننده گردشگر معرفی کنید

درج آگهی و تبلیغات

۰۳۱ - ۳۲۲۲۹۵۱۲ / ۰۹۳۶ ۵۱۶ ۷۳۷۲

GardeshGar@isfahanziba.ir  
سرویس ارتباطات و تبلیغات کدشتک



شاشی اثر علی قلی در نمایشگاه اصفهان از نگاه گردشگر/ توضیح در صفحه ۲۴

صاحب امتیاز شهرداری اصفهان  
مدیر مسئول دکتر سیدمرتضی سقائیان نژاد  
سر دبیر رضوان اصغری  
دبیر ویژه نامه نفیسه حاجاتی  
مدیریت ارتباطات و تبلیغات اکبر منتشلو  
مدیر هنری محمدحسن لطیفی

**گردشگر**  
با گردشگر مقصد سفرهایتان را انتخاب کنید

**صفهان زیبا**

همکاران شماره ششم مهدی تمیزی، پری زنگنه، علیرضا دامادزاده، احسان ناجی، احسان تحویلیان، حمیدرضا نیکومرام، معصومه مومنی، غلامرضا خلیل الهی مترجم فارسی به انگلیسی رضوان وطن خواه ویراستار انگلیسی سرور رضایی ویراستاران فارسی سمیه حفیظی، مریم مشیر پناهی

تلفن تماس ۰۳۱۳۲۲۲۹۵۱۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰ شماره پیامک ۳۰۰۴۸۳۰۸۸  
اصفهان، میدان امام حسین (علیه السلام)، خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان نما

عکس روی جلد قلعه رودخان، گیلان، ایران / اختصاصی گردشگر



## ماه رمضان؛ فرصت مغتنمی برای توسعه گردشگری حلال در ایران

حلال است. گردشگری حلال یکی از شاخه‌های فراموش شده در گردشگری از جنس اسلامی است. امروزه بسیاری از کشورهای مسلمان همچون تایلند، مالزی و اندونزی یا مصر و ترکیه برای پذیرا شدن گردشگران مسلمان در ماه مبارک رمضان، از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی خاصی را اتخاذ می‌کنند، اما مسوولان گردشگری کشور ما هنوز به تعریف مشخصی از گردشگری حلال دست پیدا نکرده‌اند. گردشگری اسلامی با در اختیار داشتن ۱۰ درصد از میزان کل گردشگری دنیا همچنان در حال رشد است و انتظار می‌رود در سال جدید میلادی این رقم به ۲۰ درصد به خصوص برای کشورهای آسیایی پیش رود. اما در ایران این تصور وجود دارد که تبلیغ سفر در ایام ماه مبارک رمضان با اصل روزه‌داری تناقض دارد. جالب است که بدانیم بسیاری از گردشگران مسلمان دنیا برای ادای آیین ویژه ماه رمضان و روزه‌داری در فضایی متأثر از این ماه مایل هستند به کشورهای اسلامی سفر کنند که برنامه‌های ویژه‌ای برای ماه رمضان دارند؛ برای مثال اندونزی به عنوان یکی از مقاصد گردشگری حلال، برای ماه رمضان بسته‌های سفری را تبلیغ می‌کند که حاوی وعده‌های سحری و افطاری، قرآن خوانی دسته‌جمعی، نماز جماعت و بازدید از اماکن مقدس در این کشور است. تایلندی‌ها ماهانه جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار گردشگر مسلمان را جذب می‌کنند. شمار گردشگران مسلمان مالزی در ماه چیزی حدود ۳۰۰ هزار نفر است و اندونزی نیز ۱۵۰ هزار گردشگر مسلمان را در ماه پذیراست. در این بین، اما سهم ایران در جذب گردشگران مسلمان بسیار ناچیز و غیرقابل اشاره است. آن هم در حالی که ایجاد بسترهای گردشگری حلال در ماه رمضان نیاز به سرمایه‌گذاری کلان ندارد بلکه تنها به اندکی خلاقیت و ابتکار نیازمند است.

«رمضان مبارک! ماه اسلامی و معنوی رمضان آغاز شده. اگر برای یک سفر به کشورهای اسلامی در این ماه برنامه ریزی کرده اید، بدانید که تجربه بسیار جالبی پیش رو خواهید داشت». وبسایت لونلی پلنت راهنمایی برای سفرهای ماه رمضان منتشر کرده. در این راهنما، از کشورهای مراکو، تونس، اندونزی، امارات متحده عربی و مصر به عنوان مقاصد گردشگری رمضان نام برده و از علاقه مندان دعوت کرده در ماه رمضان به این کشورها سفر کنند و نحوه زندگی مردم در این ماه را از نزدیک ببینند. در حالی که برای بسیاری از کشورهای مسلمان، این ماه تبدیل به فرصت گردشگری شده، ما در ایران با کاهش چشم گیر سفر در ماه رمضان مواجه هستیم. در حالی که می‌توان از قابلیت‌های این ماه برای جذب گردشگران مسلمان استفاده کرد. اما به نظر می‌رسد متولیان گردشگری مذهبی توجهی به این ظرفیت ندارند. ایران به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای مسلمان منطقه در این ماه با تغییراتی اساسی در سبک زندگی مواجه می‌شود. برخی ادارات ساعات کاری خود را تغییر داده و به کارمندان اجازه می‌دهند که افطار را در خانه و در کنار خانواده خود سپری کنند، ساعات کاری برخی فروشگاه‌ها تغییر می‌کند، برخی نقاط شهر تا پیش از افطار خلوت، اما بعد از افطار شلوغ و پرتردد می‌شود. سنت صلۀرحم در این ماه مورد توجه قرار می‌گیرد، دید و بازدیدها و ترافیک پیش از افطار به اوج خودش می‌رسد. در کوچه و بازار بساط پخت آتش و حلیم و فروش شیرینی‌های مخصوص این ماه همچون زولبیا و بامیه پهن می‌شود. ماه رمضان در ایران جاذبه‌های خاص خود را دارد با این حال در کشورمان برای تسهیل سفر مسلمانان سایر کشورهای اسلامی چندان تلاش نمی‌شود. صنعت گردشگری در ایران هنوز نیازمند توجه ویژه به گردشگری



سفرها و روایت‌ها

# آیا تور طبیعت گردی همان پیک نیک است؟!



دیدم. تلفنی هماهنگ می‌کنم. مسیر و زمان و تجهیزات لازم را از راهنمای تور می‌پرسم و هزینه را کارت به کارت پرداخت می‌کنم. یک روز قبل از تعطیلات ترمینال صفه اصفهان، شلوغ‌تر از همیشه است و تعداد مسافران با کوله‌های کوهنوردی کاملاً قابل توجه. چند ساعت قبل‌تر، از آژانس تماس گرفته‌اند و ساعت حرکت را یک ونیم ساعت عقب انداخته‌اند و بعد، از ترمینال هم با حدود ۴۵ دقیقه تاخیر راه می‌افتیم. این تاخیرها و تعلل‌ها در همه سه روز بعد تکرار می‌شود؛ چیزی که در تورهای طبیعت گردی که تا پیش از این تجربه کرده‌بودم، سابقه نداشت. در پیامک نوشته‌اند «خدمات کامل» و خانمی که برنامه تور را تلفنی برایم توضیح داده می‌گوید «که آوردن کیسه خواب و ارائه صبحانه، ناهار و شام هم برعهده آژانس است». اما به مرور از روز اول تا سوم کیفیت صبحانه‌ها سقوط می‌کند و شام هم از اول خط خورده است.

در برنامه آژانس‌های مطرح طبیعت گردی کشور، زیر عنوان تور این منطقه، پیاده‌روی و بازدید از پنج روستا و یک موزه به اضافه یک شب اقامت در خانه محلی و یک شب اقامت در هتل سه ستاره دیده می‌شود. اما در تور ما همه چیز فرق می‌کند؛ دو شب کمپینگ در جنگل هست. پیاده‌روی‌ها و طبیعت گردی‌ها هم به دیدن یک روستا و یک نیمچه آبشار و یک قلعه ختم می‌شوند. در تمام سفر هم صدای بلند موسیقی شش و هشت چه در جنگل و تا نیمه‌های شب و چه در اتوبوس، خواب و خوراک را از طبیعت و هم‌سفران گرفته و ما بیشتر از این که صدای جنگل را بشنویم، صدای موتوربرق و موسیقی می‌شنویم. راهنمایان تور هیچ اطلاعاتی درباره منطقه به مسافران نمی‌دهند. بخشی از مسافران فامیل‌های راهنمای اصلی هستند و مهم‌ترین وظیفه راهنما هم به دو مورد تقلیل پیدا کرده؛ به فکر خانواده و فامیل بودن، پختن ناهار و آماده کردن صبحانه!

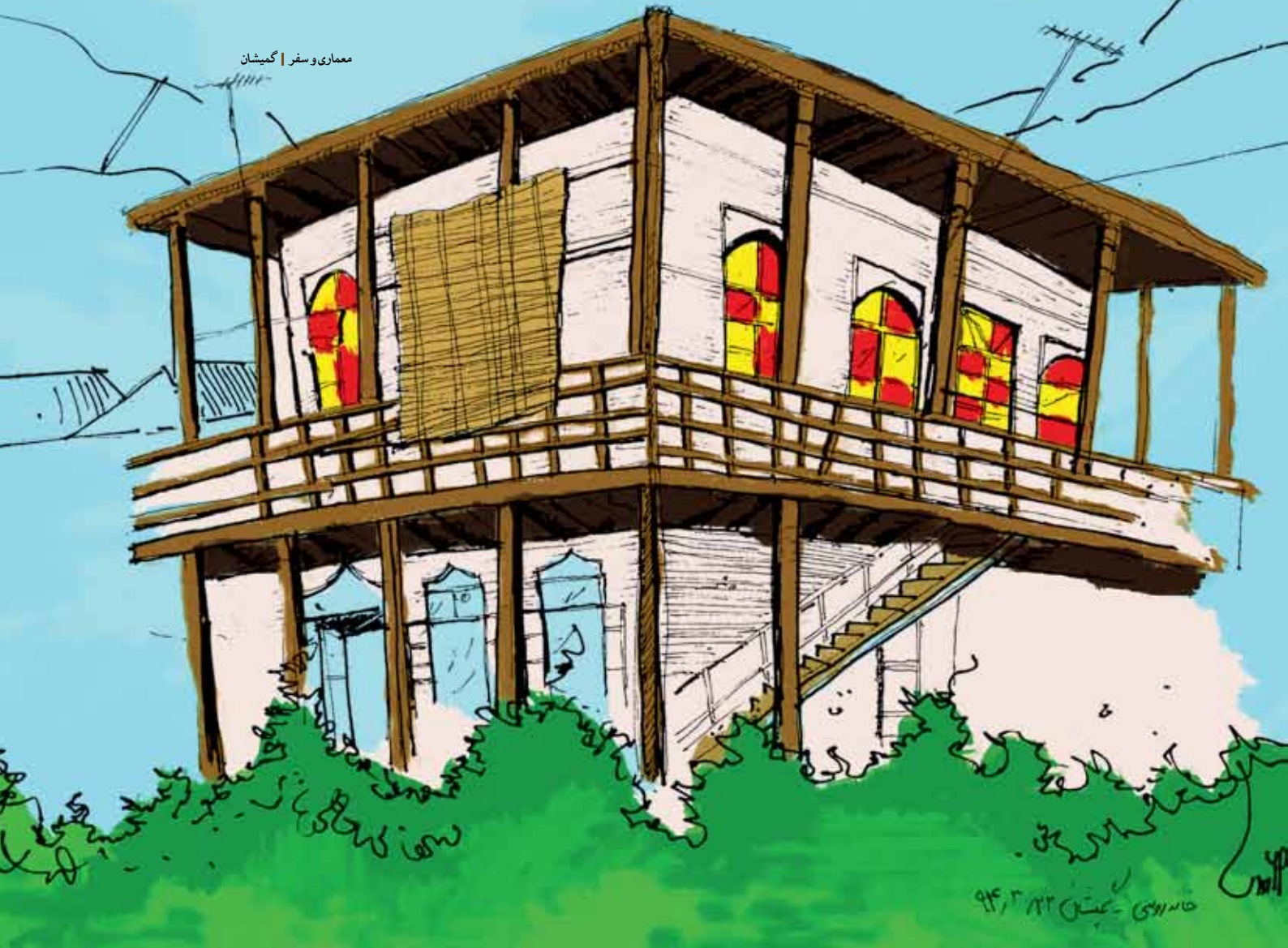
وقتی از یک طرف، تعطیلات پشت سر هم قرار گرفته باشند طوری که یک آخر هفته طولانی پیش رویتان باشد و از طرفی، تاب دیدن زاینده رود دوباره نیمه‌جان شده شهرتان را نداشته باشید، بعید نیست که همه جا را برای پیدا کردن بهترین گزینه سفر زیر و رو کنید. این طور مواقع یکی از گزینه‌هایتان «تور» است. می‌توانید به خاطر کمبود وقت، وظیفه برنامه‌ریزی برای سفر را به عهده آژانس‌ها و راهنمایای تور بگذارید و با ریسک کمتر به سفر بروید. اما مهم این است که حواستان باشد به هر تور و هر آژانسی اعتماد نکنید.

سایت‌ها را زیر و رو می‌کنم. برنامه تورهای طبیعت گردی چند آژانس مطرح کشور، و سوسه برانگیزند؛ شقایق دشت لار، جنگل ارفع‌ده و چشمه پراو، دریاچه شورمست و آبشار ورسک، سرپوش تنگه، جنگل راش و... به هر حال بهار و تابستان، بساط شمال گردی به راه‌تر است، برای همین همه آژانس‌ها تورهایشان را به سمت مناطق مختلفی در شمال کشور برنامه‌ریزی می‌کنند. در میان جست و جویهای اینترنتی گزینه‌های فوق‌العاده‌ای هستند، اما کمی دیر شده؛ چرا که حالا جلوی بهترین‌هایشان نوشته‌اند: «ظرفیت تکمیل!» فقط پنج گزینه مانده. مسیره‌ایشان را چک می‌کنم، هزینه، آژانس برگزارکننده و ساعت حرکت و بازگشت. رسیده‌ام به مرحله آخر که انتخاب بهترین گزینه است. همه چیز را سنجیده‌ام و روی گزینه پرداخت آنلاین کلیک کرده‌ام. ناگهان یک پیامک، روند را متوقف می‌کند. یکی از آژانس‌های مسافرتی اصفهان همین تور را به عنوان تورهای لحظه‌آخری تخفیف‌دارش اعلام عمومی کرده. سه ویزگی مهم باعث می‌شود انتخابش کنم. اول اینکه مقصد، جزو انتخاب‌هایم بوده. دوم اینکه مجبور نیستم در آخر هفته شلوغ، تا تهران بروم؛ چرا که مبدا حرکت، اصفهان است و سوم اینکه هزینه اعلام شده تقریباً ۳۰ درصد کمتر از هزینه‌ای است که در سایت‌های آژانس‌های تهران

محسن یارمحمدیان، معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان هم در پاسخ به اینکه چه مرجعی وظیفه رسیدگی به شکایات شهروندان در مورد کیفیت تورهای آژانس‌های مسافرتی را برعهده دارد، گفت: «پس از اینکه شهروندان شکایاتشان را به انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی ارائه دادند، جلسه‌ای با حضور مدیر آژانس، پنج عضو کمیسیون و شاکی برگزار خواهد شد. اگر این جلسه نتیجه‌ای نداشت، جلسه دیگری در کمیته فنی معاونت گردشگری اداره کل میراث فرهنگی برگزار می‌شود و طرفین، شکایات و عدله‌شان را برای رسیدگی ارائه می‌کنند.»

کاووس مسعودی، نایب رییس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی استان اصفهان در گفت و گو با گردشگر از شهروندان خواست به مجوزدار بودن آژانس و راهنمای تور توجه کنند. او با اشاره به پیامک‌های تبلیغاتی تورهای طبیعت گردی گفت: «شهروندان بهتر است که پیش از پرداخت هرگونه وجهی، قراردادی با آژانس امضا کنند که در آن تمام خدمات تور و هزینه‌ها به طور شفاف ذکر شده باشند، و در صورت بروز مشکل شهروندان می‌توانند با مراجعه به سایت [itap.ir](http://itap.ir) فرم شکایات را پر کرده و اعتراضشان را به دفترانجمن صنفی کارفرمایان شرکت‌ها و دفاتر خدمات زیارتی، جهانگردی و هوایی استان اصفهان تحویل دهند و یا با شماره ۰۳۱۳۲۶۵۶۴۶۷ تماس بگیرند.»





خاندان رویی - گمیشان ۱۳۲۳، ۹۴

متن و اسکیس مریم عباسی  
کارشناس ارشد معماری

راندنو گردشگر

سفر معمارانه از گرگان تا گمیشان

## اقلیم، معماری و سفر

سفر به گرگان، آق قلا، بندر ترکمن، گمیشان، اینچه و سفر تبه

از گرگان که به سمت آق قلا یا بندر ترکمن می‌روید. در گذار از دشت‌های زیبای تابستانی، اگر شانس بیاورید «اوی»‌های ترکمن‌ها را می‌بینید که کنار هم وسط دشت نشسته‌اند و از دور احتمالاً به صورت توده‌های سیاه یا سفید دیده می‌شوند. این «اوی»‌ها را دست کم تکپرد این‌ها همان‌هایی هستند که نادر ابراهیمی در رمان مشهور «آتش بدون دود» توصیف می‌کند و بخش‌های مهمی از داستان درون آنها روی می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی اوی است. از آنجایی که ترکمن‌ها به خاطر دام‌هایشان مرتب در حال کوچ بودند به مرور زمان و فکر‌هایی که نسل به نسل جلو برده شده است، به سازه‌ای رسیده‌اند که می‌تواند به سرعت برپا و جمع شود. در معماری به این دست ساخته‌ها می‌گویند «پیش ساخته»، مثل همان دیوارهای آماده گچی که مثلاً برای کشیدن یک دیوار وسط پذیرایی سفارش می‌دهید، می‌آورند و نصب می‌کنند. اوی‌های ترکمن‌ها هم همین‌طور هستند. دو قطعه عمود برهم را که سازه اصلی است و به آن تارم Tarem می‌گویند اول نصب می‌کنند و سپس شصت، هفتاد چوب‌کمانی دیگر را در میان آن نصب می‌کنند تا به یک قفس چوبی گرد برسند و روی همه این سازه را با نمد می‌پوشانند. یک قطعه چوبی

### میهمان ویژه ترکمن‌ها در «اوی» باشیم

«اوی» محل زندگی یک خانواده است و زمانی که خانواده‌های یک طایفه اوی‌های خود را کنار هم برپا می‌کنند «اویه» را به وجود می‌آورند. اگر در طول مسیر شانس دیدن اوی را نداشته‌اید نگران نباشید در مناطق ترکمن نشین استان گلستان مانند آق قلا، گنبد، بندر ترکمن همیشه این شانس هست و با رسیدن به بندر ترکمن و کنار بازارچه می‌توانید اوی‌ها را ببینید که گردشگران بسیار دوست دارند با آنها عکس ببندازند. پس از گرفتن عکس پیشنهاد می‌کنم کمی با دقت بیشتر به این خانه‌های سیار نگاه کنید. می‌گویم خانه سیار چرا که خانم‌های ترکمن می‌توانند طی چند ساعت این محل زندگی خود را جمع و دوباره برپا کنند و این اولین و



## در میان گل‌فشان‌ها

پیش از بازگشت از گمیشان قدری به سمت شمال شرق حرکت کنید در ۱۵ کیلومتری به پاسگاه محیط‌بانی می‌رسید. سپس حدود ۵ کیلومتر در جاده فرعی برانید تا به گل‌فشان «فتلیجه» برسید؛ یک چشمه گل‌فشان بزرگ با گل سیاه رنگ در وسط صحرا. اگر پیدایش نکردید، از چوپان‌های اطراف بپرسید. «گل‌فشان‌ها» پدیده‌های نادری هستند که تنها در کنار دریای عمان در کنارک و چابهار و در کنار دریای مازندران در منطقه گمیشان و اینچه برون دیده می‌شوند. این پدیده‌های زیبا به شکل مخروط‌های کوچک آتشفشانی از جنس گل یا ماسه که ابعاد آنها از چند سانتی‌متر تا چندین متر متغیر بوده و به نظر می‌آید قسمت مرکزی آن از جنس ماسه و بخش خارجی آن از خاک است. این گل‌فشان با خروج گاز، آب حاوی کلرید کلسیم و مواد نفتی، منظره بدیعی را به وجود می‌آورند. این روزها بحث خواص درمانی این گل‌فشان‌ها سر زبان‌هاست. مراکز خصوصی و دولتی در تلاش برای ایجاد فضایی مناسب برای استفاده از این امکان نادر طبیعی هستند ولی تا ایجاد فضاهایی مشخص و حفاظت شده باید مواظب بود به آنها آسیب نرسد. جذابیت گل‌فشان‌ها علاوه بر احتمال دارا بودن خواص درمانی در منحصر به فرد بودن و کم بودن تعداد این پدیده‌های زمین‌شناسی است. گل‌فشان دیگری که در این منطقه هست، «اینچه» نام دارد و در ۲۵ کیلومتری شمال شهر آق‌قلا در منطقه «اینچه برون» در کنار کارخانه ید واقع شده. ۱۷ کیلومتر بعد از آق‌قلا در روستای «سفر تپه» گل‌فشان «قارنیارق» را هم می‌توانید ببینید.

دیدنی‌های معمارانه ترکمن صحرا به همین موارد خلاصه نمی‌شود، میل‌رادکان در ۳۵ کیلومتری بندر ترکمن که متعلق به ۴۰۷ ه. ق و برج دیده‌بانی بوده است، پل خشکی آق‌قلا که در زمان صفوی بر روی رود گرگان ساخته شده و در ۳۶ کیلومتری شمال شرق بندر ترکمن است و آتشکده و قلعه‌های باستانی بندر گز در ۱۲ کیلومتری بندر ترکمن نیز از جاذبه‌های این منطقه هستند. تنها لازم است کمی صبور باشید، چند روزی به تعطیلات خود اضافه کنید و اهل لذت بردن از دشت‌های فراخ و سرسبز و رانندگی در امتداد ساحل دریای خزر از بندر ترکمن به بندر گز باشید.



## میهمان ویژه خانه‌های روسی گمیشان شوید

پس از خرید صنایع دستی‌های زیبا و با قیمت مناسب، از دوشنبه بازار و بازارهای ساحلی بندر ترکمن و قایق سواری در اسکله آن، به سمت شمال حرکت می‌کنیم و با ادامه مسیر به سمت شمال به منطقه گمیشان می‌رسیم که در شمالی‌ترین قسمت حاشیه شرقی دریای خزر قرار دارد و از طرف شمال به کشور ترکمنستان، از شرق به آق‌قلا و از طرف غرب به دریای خزر ختم می‌شود. این شهر با بندر ترکمن حدود ۱۹ کیلومتر فاصله دارد. مردم گمیشان ترکمن هستند و به زبان ترکمنی صحبت می‌کنند، اما با لهجه شیرین و خوشرویی با میهمانان و گردشگران ارتباط برقرار می‌کنند. در این منطقه می‌توان شیوه‌های مختلف زندگی ترکمن‌ها را مشاهده کرد. از گروهی که همچنان به صورت عشایری زندگی می‌کنند و ویژگی‌های جذاب سکونتشان تا مردم یکجانشین شده در خانه‌هایی که از اوی‌الهام گرفته شده و خانه‌های دو طبقه‌ای که با چوب‌های از روسیه آمده ساخته شده و به خانه‌های روسی مشهور شده‌اند. اگر توانستید میهمان مردم سخاوتمند این منطقه شوید از ایوان‌های چوبی خانه‌های روسی رو به منظره دشت‌های ترکمن صحرا لذت ببرید و اتاق‌های بلند، اما تودرتو، دالان‌ها و شومینه‌های آنها بعید نیست که شما را به وجد بیاورند. موزه مردم‌شناسی گمیشان در خانه‌ای معروف به خانه گوکلانی که قدمت آن به دوره پهلوی اول می‌رسد، در میانه بافت سنتی و زیبای شهر گمیشان روایت مختصری از سابقه فرهنگی مردم منطقه است و شامل بخش‌های معرفی یک خانواده ترکمن، بخش بافندگی مانند قالببافی، نمدمالی و گلیم بافی، ساخت زیورآلات سنتی و حصیربافی و بخش معرفی مشاغل بومی و آیین‌های سنتی است و نیز کارگاه‌های آموزشی با هدف حفظ و احیای صنایع دستی مردم ترکمن است.



از شما می‌خواهند قسمت بالایی چادر که از در فاصله دارد بنشینید و اگر جلوی شما گلیم و قالی پهن کردند و از شما خواستند در سمت راست چادر بنشینید می‌توانید ذوق کنید و خوشحال باشید چون این قسمت جایگاه مهمان خاص ترکمن‌هاست و در مهمانی‌ها معمولاً ریش سفیدها و بزرگان خانواده اینجا می‌نشینند. این هم از قابلیت‌های اوی است که فضای داخل آن به خوبی برای افراد تعریف شده است. یعنی وقتی مهمان نیست و زندگی عادی جریان دارد، محل فعالیت مرد خانواده و زن خانواده داخل اوی مشخص است که سمت راست و چپ اوی قرار می‌گیرد و زمانی که مهمان می‌آید هم جای میزبان و مهمان مهمان‌های خاص از قاعده‌های خاصی پیروی می‌کنند.

دایره‌ای شکل هم بالای آن است که به آن تونوک Tunuk می‌گویند و وقتی که کف اوی دراز بکشید می‌توانید از آن آسمان را تماشا کنید. ترکمن‌ها علاوه بر تماشای آسمان از این روزن برای رصد ستارگان و تعیین وقت کوچ هم استفاده می‌کردند برای همین موقع برپایی اوی آن را به دقت با جهت شمال و جنوب تنظیم می‌کنند و در ورودی را طوری قرار می‌دهند که رو به طلوع خورشید باشد. اوی جذابیت‌های دیگری هم دارد مثلاً این که چطور کاری می‌کنند که نمدهای روی اوی را باد نبرد یا اگر باد شدید شد خود اوی تکان نخورد، چطور تمیز و خنک نگهش می‌دارند. این‌ها را می‌توانید از خانم‌های ترکمن بپرسید. مطمئن هستیم با خونگر می، جواب‌های جالبی به شما خواهند داد. اگر به داخل اوی دعوتتان کنند



برگردان سفرنامه مادام دیلافوی از فرانسه به فارسی - بخش پنجم

## زمان؛ مخوف ترین دشمن بناهای شرقی

سفر به اصفهان عهد ناصری با باستانشناس فرانسوی

عکس کلیسای وانک، ارمی، استانبول



پیش تر خواندیم که مادام دیلافوی در مراسمی مذهبی در کلیسا شرکت کرد. پس از مراسم، زنان و پیشه‌وران از صومعه بیرون رفتند و گروهی از مردم برای سلام و گفت‌وگو با پدر مقدس وارد یک سالن بزرگ شدند؛ جایی که خادمان کلیسا جای تعارف می‌کردند. او از برگزاری چندین جلسه خبر داد و به اینجا رسید که: «ما از آقایان "کولینل" و "مولر"، مدیران یک تجارتخانه بزرگ هلندی استقبال و پذیرایی کردیم. این دو به خوبی فرانسه صحبت می‌کردند و ما را به بازدید از کارخانه ترپاک سازی شان دعوت کردند. سپس یک تاجر بغدادی به نام "خواجه یوسف" به همراه زن دوست داشتنی اش از راه رسیدند. مدیر تلگراف خانه که فردی هند و اروپایی بود، به نوبه خود معرفی شد. سپس یکی از ثروتمندان جلفا - که پسرش دوازده روز پیش ازدواج کرده بود - برای صحبت و دعوت ما در این جشن ازدواج، نزد ما آمد. به لطف تمامی افرادی که به خوشامدگویی ما آمده بودند، کاملاً تحت تأثیر قرار گرفتیم.» و اکنون ادامه سفرنامه...

### دیدار با اسقف اعظم در جلفا

ارمنی به اسقف بزرگ کلیسای کاتولیک اچمیادزین (۲) وابسته اند که منصوبشان می‌کند و مقدسشان می‌دارد. پاپ، نفر اول اسقف‌های مسیحی است و حتی حق اداره کردن شوراهای دارد، با این وجود آنها نمی‌توانند او را همانند رئیس عالی کلیسا در نظر بگیرند. در مجموع، تفاوت‌هایی که فرقه‌های کاتولیک را از هم جدا می‌کنند، بسیار پراهمیت و در ارزش‌گذاری‌های دینی معتبر شناخته می‌شوند؛ به همین دلایل، کشیش‌هایی که برای بازگشت به آغوش کلیسای رومی آماده می‌شوند، هیچ تعهد تازه‌ای دریافت نمی‌کنند و همچون کشیش‌هایی تعلیقی هستند که اسقف، حقوق روحانی و معنوی شان را حفظ کرده است.

### تماشای نقاشی‌های ایتالیایی در کلیسای کوچک

پس از ملاقاتی که با اسقف اعظم کلیسای کوچک داشتیم، به غذای سبکی (که درخواست خودمان بود) دعوت شدید و همراه او به راه افتادیم. او می‌خواست شکوهی را به ما نشان بدهد که تحسین برانگیز بود؛ صلیب یونانی ساخته شده بر فراز گنبدی بزرگ که در پایه اش، هشت پنجره نورانی قرار دارد. دیوارهای بین دهانه‌های پایه، میان روزنه‌هایی قرار گرفته‌اند که با نقاشی‌های فرسک تزئین شده‌اند، همراه با قاب‌بندی‌های مزیّن بر روی زمینه‌های برجسته و با اسلیمی‌های طلائی که درخششی خیره‌کننده دارد. دیوارها با تصاویری که راهبان ایتالیایی از داستان‌های کتاب مقدس کشیده‌اند، پوشیده شده و ترکیب‌بندی‌های گوناگون با توانایی‌های هنری متغیر در این آثار دیده می‌شود. هنگام وارد شدن به داخل نمازخانه کلیسا، ما کاملاً تحت تأثیر قرار گرفتیم. با رنگ آمیزی گرم و توازن عالی، با آبی طاق قوسی‌ها و طلائی‌گنبدها؛ با لعاب‌های زیبا بر زمینه زرد، که شبستان را نورانی کرده بود. سه نقاشی چشمگیر پشت محراب اصلی قرار گرفته‌اند. این‌ها بر روی یک پوشش از گل سفید و شیرینی تزئین شده قرار گرفته‌اند. فرشته‌هایی با بال‌های نزدیک به رنگ بنفش؛ فرشته‌هایی که برگ‌نخل‌هایی سبز را (که بر دور آنها پیچیده شده) در دست دارند و با تزئین‌های طوماری

به افتخار و با همه احترام اسقف ارمنی، امروز صبح در نخستین دیدار ما را پذیرفت. خانه پهناروش به خوبی می‌تواند عنوان باشکوه قصر را داشته باشد. در امتداد خیابان، سایه شاخ و برگ درختان با برگ‌های نسبتاً ضخیم‌شان، رواقی نیمه تاریک در روی خانه‌ها، برای رهگذران ساخته است. در ابتدا، ما وارد یک حیاط خیلی بزرگ شدید و خود را در برابر ورودی کلیسای اسقفی یافتیم که در طول هفته بسته است. در سمت چپ، در بزرگی به روی یک نگارخانه پهناروش باز می‌شود؛ جایی که مردگان در تابوت‌های سنگی شان خوابیده‌اند. جسد‌های اسقف‌های ارمنی تباری که در دفاع از حقوق خود و نیز گروه انگشت‌شمار از مسیحیان رانده شده دیگر، کشته شده‌اند و اکنون در میان جهان اسلام به خاک سپرده شده‌اند. در انتهای سالن تدفین، یک حیاط پر نور و خانه‌هایی بسیار معمولی ظاهر شدند. اسقف اعظم با وجود آنکه جوان پرمشغله‌ای است، با ظرافت خاصی وظایف مشکل خود را انجام می‌دهد. رفتارهایش به خوبی بیانگر قوه تشخیص عالی اوست. یک لباس بلند از ترمه زرشکی، که قدبلند و باریک‌اش را به خوبی نشان می‌دهد و یک شنبلیله کلاه دار از ابریشم سیاه، (که شیرینی و ملاحظت چهره اش را دوچندان کرده) پوشیده است. به مانند همه سلسله مقام‌های روحانیان ارمنی، بخشی هم متعلق به راهبان است؛ در واقع مذهب‌یونی که تعهد پاکدامنی و عفت داده‌اند و در صومعه زندگی می‌کنند؛ جایی که باید مطالعات عمیق تئوریک انجام دهند و می‌توانند آرزوی رسیدن به مقام اسقفی را داشته باشند، در حالی که اعضای اسقفی سکولار نیز با چشم پوشی از سلسله مراتب روحانی‌شان، یک بار ازدواج در زندگی‌شان را جایز دانسته‌اند. اسقف هر هفته مراسم مذهبی را برپا می‌کند، اما مؤمنان فقط در روزهای اعیاد بزرگ به این مراسم دعوت می‌شوند؛ چرا که ارمنیان معتقدند، شرکت کردن در مراسم روزانه آیین عشاء‌رانی، بی‌احترامی به قربانی مقدس است. (۱) اسقف‌های اعظم

شکل ظریفی، مزیّن شده‌اند. نه یک خراشیدگی، نه یک شکستگی و ترک، داخل این بنا را زشت نکرده است. در اینجا هیچ نشانی از عبور و مرور رهگذران وجود ندارد. اما زنگاری ظریف بر همه کارهای هنری اینجا نشسته و توازن موزونی میان آثار گذشت‌زمان ایجاد کرده است.

### وعده بازدید از دفتر خواهران سنت کاترین

زمان، تنها دشمن مخوف تمامی بناهای شرقی است. اسقف به من گفت: «مردم من، به شکوه کلیساهایشان افتخار می‌کنند و من در بخش حفاظت نمازخانه، پرهیزگرانی علاقه مند را جای داده‌ام که ارامنه را دلبسته خاک این سرزمین (ایران) می‌کنند؛ جایی که آنها رنج بسیار کشیده‌اند. خوشحالم که متصدی این عبادتگاه هستم که گواهی است بر شوق و شور یک پرهیزگار در میان جامعه‌ای که گاهی حتی توانایی‌های کوچک را هم نداشته است.» پس از دیدارمان از گنجینه اشیاء پربار و ارزشمندی که از غنایم اسقف بود، ما را به دست خادمی سپردند. به همراه او پایین رفته و بر روی تراسی که گردآگرد گنبد بود، قرار گرفتیم. از این نقطه مرتفع





۱. آنچه در متن می آید، برداشت ها و نظر مادام دیالافوی بوده و درست و غلط بودن موارد آن، نظر مترجم و یا ناشر نیست. ۲. Etchmiadzin Cathedral

کاترین است». یک صدای سنج مانند منحصر به فرد بودا خادم اضافه کرد: «صومعه به اینجا نزدیک است، آیا می خواهید از آنجا دیدن کنید؟» و من موافقت کردم. **ادامه سفرنامه را در شماره آتی خواهید خواند...**

گنبد کلیسای جامع، خانه ای بود که زنان سالمند در آن زندگی می کنند. چند دقیقه ای که آن بالا بودیم، سر و صدای گوشخراشی را شنیدیم که نمی دانستیم چیست! از خادم کلیسا که راهنمای ما نیز بود پرسیدیم و او گفت: «این صدای زنگِ دفترِ خواهرانِ سنت

می توانستیم اهمیت و شکوه این شهر را بهتر درک کنیم. بیش از ۲۰ صومعه را شمردیم که بیشترشان هم نابود شده بودند. به غیر از کلیساهای کوچکِ اسقف نشین و صومعه کاتولیک ها، تنها دو کلیسا برای عبادت ساخته شده اند. خیلی دورتر، در سمت چپ

### توضیح گردشگر

به مترجم است. مادام سفرش را از مراکش، الجزایر، اسپانیا، مصر شروع کرده و به ایران رسیده. سفرنامه ایران مادام مربوط به سال های ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ میلادی است، برابر با حکومت قاجارها در ایران. زبان نوشتاری او گاه بسیار توصیفی و شاعرانه است و گاه با کینه و نفرت مخصوصاً از ویرانی ها صحبت می کند. سفرنامه مادام دیالافوی، یکی از اسناد دوران قاجاری است. هرچند در جای جای این متن، اشتباهاتی نیز به چشم می خورد که خواننده فهیم و پژوهشگر، در تطبیق تاریخی آن متن با متون علمی تاریخی، تا حد زیادی می تواند به سلامت از خواندن سفرنامه بگذرد و حظی درخور داشته باشد.

«سفرنامه مادام دیالافوی» به زبان فرانسه در قالب کتابی حجیم با عنوان «ایران، شوش و کلد» در سال ۱۳۳۲ توسط علی محمد فره وشی با نام «سفرنامه دیولافوا-ایران و کلد» ترجمه شده و آخرین چاپ آن در سال ۶۴ شمسی (نشر دانشگاه تهران) بوده است و حالا در سال ۹۳ خورشیدی ترجمه تازه ای از این کتاب به سفارش گردشگر در حال تهیه است. پری زنگنه که پیش تر او را با عنوان یک هنرمند تصویرگر می شناسیم، این ترجمه را از روی نسخه اصلی کتاب با نام «la Perse, la chaldée et la susiane» انجام داده است. بدیهی است که تمامی حقوق این ترجمه متعلق





متن مهدی تمیزی  
عکاس و پژوهشگر هنر

## اصفهان و گردشگران فرنگی؛ بخش پنجم - آمبروسیو کنتارینی اصفهان؛ شهری که همه گونه نعمت در آن یافت می شود

سفری از ایتالیا به قم، کاشان، نطنز و اصفهان

فارسی آن روزگاران خوانده ایم. یافته های کنتارینی از دربار اوزون حسن، شرح مسافرت او از تبریز به اصفهان، اوضاع و احوال تبریز، شرح اقامت در قم و کاشان، گونه لباس پوشیدن زنان و مردان ایرانی، آزادی زنان، شجاعت و مهمان‌نوازی ایرانی‌ها، دارایی های اهالی شهرها و نیز رفتار ایرانی‌ها با فرنگی‌ها در آن روزگار، بخش های بسیار جالب سفرنامه این جهانگرد ایتالیایی است. بخش هایی از این سفرنامه را در ادامه می خوانید.

حدود ۵۵۰ سال پیش، سفیر و گردشگری ایتالیایی وارد ایران شد تا با مذاکره کردن با پادشاه ایران درباره خطر امپراطوری عثمانی (ترکیه امروزی)، ایران و اروپا را در برابر کشورگشایی ترک های عثمانی کنار هم قرار دهد. او البته با سفر به جای جای ایران و نوشتن سفرنامه ای دقیق، ما را با بخش های تاریکی از تاریخ ایران آشناتر می کند. سفرنامه کنتارینی دارای اخبار مفید و سودمندی است که کمتر مانند آن را در تاریخ و نوشته های

### سفری از ایتالیا به ایران

من آمبروسیو کنتارینی پسر بنده تو (۱) هستم. از طرف رییس عالی قدر شورای پری گادی (۲) به عنوان سفیر انتخاب شدم که به دربار پادشاه نامدار ایران اوزون حسن (۳) بروم. با وجود آن که به دلیل طول سفر و خطرهای سفر چین، مامورینی دشوار به نظر می رسید، اما به مناسبت اشتیاق فراوان شورای جمهوری و پیشرفت دنیای مسیحیت و اینکه این افتخار به نام مسیح و مادر مقدس او تمام خواهد شد، تمامی خطرهای سفر را نادیده انگاشته، با کمال میل و رغبت کمر به خدمت جمهوری و مسیحیت بسته، تصمیم خود را گرفتم و از آنجا که فکر می کنم، شرح این مسافرت طولانی و با اهمیت ممکن است برای آیندگان جالب باشد، قصد دارم آنچه را که از روز حرکت از ونیز که روز ۲۳ فوریه ۱۴۷۳ (یعنی اولین روز پرهیز) (۴) تا روز بازگشت که ۱۰ آوریل ۱۴۷۷ رخ داده، به اختصار شرح دهم؛ و شهرها و

ایالت هایی را که از آنها گذر کرده ام و نیز آداب و رسوم ساکنان آنها را توصیف کنم.

### از قم تا کاشان و نطنز

«قم» شهر کوچک، ولی زیبایی است که در دشتی جای گرفته و دور تا دور آن دیواری گلی ساخته اند. همه چیز به میزان زیادی در آن یافت می شود و دارای بازارهای خوبی است که مرکز داد و ستد فرآورده های دستی و فاستونی های آن است. در ۲۳ اکتبر، اینجا را ترک کردم و به دلیل نفاختی که داشتم، سخت در ناراحتی و عذاب بودم. در ۲۵ اکتبر به شهر دیگری رسیدیم که «کاشان» نامیده می شد و دارای حصار و بازارهایی شبیه قم بود؛ ولی روی هم رفته از قم بهتر بود. در ۲۶ اکتبر، کاشان را ترک کردم و به شهر دیگری رسیدیم که «نطنز» نامیده می شد و در دشتی جای گرفته بود [...]. در اینجا به دلیل ضعف و اندکی تب - که دوباره عارضم شد - یک روز توقف کردم.



۱. Benedetto Pregadi ۲. ابوالنصیر حسن بیگ معروف به «اوزون حسن» (یا: حسن دراز)، از مقتدرترین و مشهورترین پادشاهان سلسله آق قویونلو است. او در ۸۵۷ ق. در قلعه «آمد» به جای برادرش «جهانگیر ترکمان» به تخت نشست. در ۸۶۱ ق. در نزدیک «فرا» طغیان برادرش جهانگیر را که از جهانشاه قرقویونلو مدد گرفته بود، به سختی فرونشاند و چندی بعد قلعه معروفی را از سلاطین ایوبی بازپس گرفت (۸۶۴ ق.). پس از آن جهانشاه قرقویونلو را کشت و عراق و آذربایجان را به قلمرو خویش اضافه کرد (۸۷۳ ق.). چند سال بعد با سلطان محمد فاتح (پادشاه عثمانی) نبرد کرده، مغلوب شد (۸۷۸ ق.). سپس پسر خود «اغورلو محمد» را که به سلطان عثمانی پناه برده بود، به نیرنگ به دست آورده و اعدام کرد (۸۷۹ ق.). دو سال بعد، لشکر به گرجستان کشید و تفلیس را گرفت (۸۸۱ ق.). چندی بعد نیز در تبریز وفات کرد و پسرش سلطان خلیل ترکمان به جایش نشست. همسر او «دسپینا خاتون» دختر «کالیوآنس» (آخرین امپراتور مسیحی طرابوزان) بود و اوزون حسن به سبب ارتباط با امپراطوران طرابوزان و مذاکرات با سلاطین مسیحی اروپا مورد نفرت و خصومت دربار عثمانی بود. او به سبب کفایت و تدبیر، نه فقط آذربایجان و عراق و فارس و کرمان و کردستان و ارمنستان را به حوزه تصرف خویش درآورد، بلکه توانست مدعی و معارض سلطان محمد فاتح پادشاه معروف عثمانی شود و توجه جمهوری ونیز و سلاطین اروپا را در معارضه با نیروی دولت عثمانی جلب کند. تاریخ حیات او را مولانا ابوبکر طهرانی (از معاصرانش)، نوشته است. ۴. Lent ۵. Messer Josafa Barbaro ۶. ابوسعید گورکان یا میرزا سلطان ابوسعید معروف به سلطان ابوسعید گورکانی، پسر میرزا سلطان محمد، نوه میرزا میرانشاه و نبیره امیر تیمور گورکان بود. او پس از شاهرخ، دومین سلطان مقتدر از بازماندگان تیمور است که بر بخش پهناوری از متصرفات تیمور - حدود مغولستان تا عراق و از فرارود تا سیستان و قندهار - حکومت می‌کرد و سلطنت را نه به وراثت بلکه به زور شمشیر به دست آورد. او آخرین پادشاه مقتدر خاندان تیموری در ایران محسوب می‌شود. ابوسعید پادشاهی توانا و با کفایت بود و خود را از گمنامی به سلطنت رسانید. او کسی بود که همواره از فرصت‌ها بهره

منابع: - سفرنامه آمبروسیو کنتارینی، ترجمه: قدرت الله روشنی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۹. - اصفهان از دید سیاحان خارجی، فیروز اشراقی، نشر آتروپات، اصفهان، ۱۳۷۸. - لغتنامه دهخدا.

## ورود به اصفهان

در ۲۸ اکتبر، با وجود تمام ناراحتی که داشتیم، سوار شده مجدداً به راه افتادیم و پس از عبور از دشت‌ها، در تاریخ ۳۰ اکتبر به شهر دیگری وارد شدیم که «اصفهان» نام داشت. شاه «اوزون حسن» در اینجا بود. ما پس از آنکه به تحقیق دریافتیم که سفیر ما، جناب ژوزف باربارو (۵) در کجای این شهر مسکن گزیده است، یک راست به آنجا رفتیم. به محض دیدار، یکدیگر را با صمیمیت و خوشحالی زیاد در آغوش گرفتیم. می‌توانید حدس بزنید که دیدار باربارو چقدر برای من آرامش بخش بود. اما چون به استراحت بیشتر از هر چیز دیگری نیازمند بودم، فوری به بستر پناه بردم. در روز بعد با جناب سفیر گفتگویی داشتم و آنچه را که بر من گذشته بود بازگو کردم. چون شاه از ورود من اطلاع حاصل کرده بود، تنی چند از غلامان خود را با هدایایی از آذوقه و خواربار نزد من فرستاد.

## عصرانه در کنار رود و چمنزار

در ۴ نوامبر سال ۱۴۷۴ به وسیله چند نفر از خادمین شاه به حضور احضار شدیم. موقعی که به همراه عالیجناب سرژوزف باربارو داخل جایگاه سلطنتی شدیم، اعلیحضرت را در کنار چند نفر از درباریان، که به نظر می‌رسید از بزرگان کشوراند، دیدیم. پس از ادای مراسم احترام به رسم ایرانیان، هدف ماموریت را از طرف جمهوری ونیز به عرض رسانیدم و اعتبارنامه خویش را تقدیم داشتم. هنگامی که سخنان من به پایان رسید، شاه جواب کوتاهی داد [...] و بعد از آن به من و دیگر بزرگان کشورش اجازه نشستن داد. بعد نوشیدنی‌ها و تنقلات آوردند که بنا به رسم خودشان بسیار خوب تهیه شده بود و ما به رسم ایرانی‌ها بر روی قالی‌ها نشستیم و در خوردن شرکت جستیم. پس از صرف خوراکی‌ها، ادای احترام به جای آورده، اجازه مرخصی گرفته، به اقامتگاه خود بازگشتیم. در روز ۶ نوامبر، شاه ما را فراخواند و قسمت بیشتری از محل اقامت شاه را که در وسط چمن‌زاری جای داشت (رودخانه‌ای از میان آن می‌گذشت و جای بسیار دل‌انگیزی بود) به من نشان دادند. یک قسمت از جایگاه به شکل مربع مستطیل بود و در آنجا صحنه سر

مناسب می‌گرفت. رفتار او با مردم، به نسبت عادلانه و خوب توصیف شده است. سلطان ابوسعید طرفدار تصوف و اهل عرفان بود و مشایخ صوفیه را گرامی می‌داشت. با کشته شدن جهانشاه به دست سپاهیان اوزون حسن آق قویونلو، اقتدار سلطان ابوسعید با خطری جدی مواجه شد. سلطان ابوسعید با لشکریان بسیار و امید دریافت کمک از شروانشاه (فرخ یسار) به آذربایجان لشکر کشید. سپاهیان وی به سبب سرمای زودرس دچار بی‌آذوقگی گردیدند و پراکنده شدند و به سبب این خیانت، ابوسعید اسیر اوزون حسن شده، کشته شد. ۷. «اغورلو محمد» پسر شجاع و جنگجوی «اوزون حسن» است که «سلطان ابوسعید بهادرخان» (آخرین پادشاه مسلمان شده مغول در ایران) را شکست داد و اسیر و اعدام کرد. اغورلو محمد بعدها بر پدر یابی شد و بین پدر و پسر جنگ در گرفت و اعدام شد. ۸. دوکات: این سکه اولین بار در ونیز ضرب شد و از آنجا به سر تا سر قاره اروپا راه یافت. این سکه در میان سکه‌های طلا در جهان، به پاکی طلا معروف و ممتاز بود. به همین دلیل برای تجارت بین‌المللی استفاده می‌شد. دوکات برای نخستین بار (در دوره آق قویونلو) از راه عثمانی به ایران آمد و چون دوکات‌های وارداتی دارای نقش انسان بلند قدی بود به «باجغلی» معروف شد؛ چرا که «باجغلی» به ترکی به معنی کسی است که دارای پا و یا قد بلند است. دوکات‌ها تا قرن نوزدهم میلادی در قلمرو عثمانی، ایران، قفقاز و آذربایجان رواج داشتند. استفاده از این سکه تا دوره قاجار ادامه داشته است. در سفرنامه «عباس میرزا» از «باجقلو» به عنوان واحد پرداخت اجرت نام برده می‌شود. جیمز موریه نیز نام این سکه را در کتاب خود (سرگذشت حاجی بابای اصفهانی) آورده است. در دوره ناصرالدین شاه قاجار نیز - برای ساخت راه آهن جلفا تا تبریز - از باجقلوی روسی به عنوان واحد پولی سرمایه‌گذاری استفاده شده است. اما به نظر می‌رسد در انتهای حکومت ۵۰ ساله ناصرالدین شاه قاجار، این سکه از جمله «سکه‌های کهنه» به حساب می‌آمدند. «امین الدوله» در خاطرات خود اشاره می‌کند که ناصرالدین شاه قاجار دستور داد تا همه باجقلوها را از خزانه بیرون آورده، به ضراب‌خانه ببرند و به تومان ایرانی تبدیل کنند. با این کار، شش هزار اشرفی به خزانه اضافه شد.

بریدن سلطان ابوسعید (۶) را نقاشی کرده بودند. در این نقاشی نشان داده شده بود که چگونه اغورلو محمد (۷) او را به طنابی بسته، به جایگاه اعدام آورده بود و هم او دستور داده بود که این اطاق ساخته شود. با عصرانه پذیرایی گرمی از ما به عمل آوردند و بعد از آن به محل اقامتگاه خودمان بازگشتیم. تا ۲۵ نوامبر، در خدمت اعلیحضرت، در اصفهان توقف کردیم. در این مدت، حضراتشان بارها ما را به مهمانی‌های گوناگونی دعوت کردند.

## از اصفهان به قم

اصفهان شهر مساعده و خوبی به نظر می‌رسد. شهر در دشتی جای گرفته است که همه‌گونه نعمت در آن به میزان بسیار زیادی وجود دارد. گفته می‌شد که چون شهر تسلیم مغول‌ها نمی‌شده، بعد از گرفتنش، بیشتر از هر کجا آن را ویران ساختند. اصفهان نیز مانند دیگر شهرها، به وسیله دیوارهای گلی محصور شده است [...]. همه غلات و میوه‌های زیادی که در اینجا به عمل می‌آید، بیشتر از راه آبیاری است. انواع و اقسام میوه از بهترین نوع آن در اینجا به عمل می‌آید و من بهتر از آن در هیچ جای دنیا ندیده‌ام و نجشیده‌ام. اصفهان را از جانب راست و چپ، کوه‌هایی دربر گرفته‌اند. گویند که این کوه‌ها بسیار حاصلخیز هستند و بیشتر آذوقه شهر از آنجا آورده می‌شود. ولی همه چیز در اینجا گران است. [...] قیمت نان [اما] مناسب است. یک پار شتر، هیزم یک «دوکات» (۸) ارزش دارد. قیمت گوشت نیز از کشور ما گرانتر است. مرغ و ماکیان هر هفت عدد به یک دوکات فروخته می‌شود. قیمت سایر اشیاء متناسب است. ایرانی‌ها مردمانی نجیب و خوش‌رفتار هستند و از گونه سلوک و رفتارشان برمی‌آید که عیسویان را دوست دارند. در مدت توقف مان در ایران، به هیچ وجه مورد بی‌احترامی واقع نشدیم. زنان ایرانی لباس‌های مناسب و زینده‌ای می‌پوشند و بر مردان - چه از لحاظ پوشش و چه از لحاظ اسب سواری - برتری دارند. هم زنان و هم مردان ایرانی خوش‌قیافه و خوش‌قد و بالا هستند و پیرو دین اسلام هستند. در ۲۵ نوامبر، اعلیحضرت به همراه درباریان و خانواده هایشان، اصفهان را ترک کرده و همگی به قم می‌روند تا زمستان را در آنجا سپری کنند. من نیز با اعلیحضرت همسفر شدم.





متن و عکس: علیرضا دامادزاده  
راهنمای تور طبیعت گردی

راهنمای سفر به آبشار کاهکده

## آبشار چهل چشمه کاهکده!

از اصفهان تا رود خرسان، روستای میلان، روستای سردشت و آبشار چهل چشمه کاهکده

رانندگی از اصفهان به سمت جنوب غربی استان، وارد استان چهارمحال و بختیاری و منطقه‌ای کوهستانی می‌شوید. اما معمولاً آب و هوای شهرهای کوچک برای تنفس هوای پاک خیلی هم خوشایند نیست و نیاز به چیزی فراتر از آن داریم؛ شاید دوری از هر گونه تکنولوژی این مشکل را برایتان حل کند. خب پس پیش به سوی یک سفر عالی به آبشار کاهکده در استان چهارمحال و بختیاری.

اگر از آب و هوای نیمه و خشک و بیابانی شهر خودتان خسته شده‌اید و نیاز دارید هوای پاک کوهستان را تنفس کنید، کافی است کوله بار سبکی برای یک سفر یک روزه ببندید و حرکت کنید! کوهستان‌های غرب ایران یا همان کوه‌های سر به فک کشیده زاگرس با طبیعتی کم‌نظیر در دنیا در دسترس‌ترین منطقه کوهستانی به استان و شهر اصفهان است. طوری که فقط با ۱۰۰ کیلومتر





### توصیه‌هایی برای سفر به کاهکده

برای رفتن به آبشار کاهکده بهتر است از ابتدای کار بدانید کجا می‌روید. شما قرار است از نزدیک‌ترین شهر یعنی لردگان، حدود ۸۰ کیلومتر دور شده وارد جاده‌ای بن‌بست شوید با مردمی که فرهنگی متفاوت از فرهنگ شما دارند و به دلیل اشتباهاتی که مسافرات قبلی در برخورد با این افراد انجام داده‌اند و دورافتاده بودن محل زندگی‌شان، رفتاری مدافعانه و گاه تهاجمی از خود بروز می‌دهند که به یاری بسیاری از راهنماهای کارکننده در سال‌های اخیر این رفتار تا حدودی تعدیل شده اما بهتر است برای دیدن آبشار کاهکده، به صورت گروهی سفر کنید؛ نه گروه سه یا چهار نفری، بلکه در قالب گروه‌های حداقل ۱۴ یا ۱۵ نفره با حضور یک راهنمای آشنا به مسیر. راه‌های پرپیچ و خم و گردنه‌های زیبا در این مسیر انتظارتان را می‌کشند! بهتر است شب حرکت کنید، از اصفهان حدود ۵ تا ۶ ساعت راه پیش رو دارید، بنابراین بهتر است در مسیر با هم‌نوردان، خوب استراحت کنید؛ چرا که فردا انرژی زیادی لازم

دارید. خوابیدن، بدن شما را برای یک دره پیمایی دلپذیر مهیا می‌کند.

### روستای سردشت و کارگاه سدسازی

بهترین مسیر برای رسیدن به آبشار کاهکده، گذر از شهرهای بروجن، گندمان، آلونی و لردگان است. به لردگان که رسیدید وارد شهر شده و مسیر مستقیم را تا آخر ادامه دهید. تابلوی راهنمای شما، تابلوی آتشگاه است. به سمت روستا و آتشگاه رفته و از آخرین خروجی شهر خارج و وارد جاده روستای «میلاس» و آتشگاه می‌شوید. از مسیر خود منحرف نشوید و البته سعی کنید با سرعت کم در این جاده حرکت کنید؛ چرا که هم حیوانات به طور ناگهانی وارد جاده می‌شوند و هم جاده پر از چاله و سرعت گیرهای غیراستاندارد است. به روستای «سردشت» که رسیدید، کم‌کم آسمان هم پرده از شب برداشته و رو به روشنایی می‌رود. مسیر را ادامه دهید از روستاها بگذرید تا برسید به یک کارگاه بزرگ سدسازی. به احتمال زیاد نگرهبانی، همان اول از ورود شما به منطقه که در سال‌های





### گذر از رود خرسان

وقتی سوار وانت شدید، چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ دقیقه از هوا و مناظر بی نظیر و هیجانی لذت بخش استفاده می‌کنید. در بدو حرکت، پس از گذر از یک گردنه پرشیب، به دوراهی می‌رسید که راه مستقیم (سمت چپ) به سمت روستای آتشفشان و سمت راستی به سوی پل آهنی رفته و با گذر از رود خروشان و پر آب و تمیز «خرسان» وارد جاده خاکی شده و چیزی که پیش رو دارید، زیبایی است و قریه‌های کوچک ییلاقی. در مسیر جاده می‌توانید تغییرات زمین شناسی را که طی میلیون‌ها سال به وجود آمده‌اند، به راحتی با چشم نظاره گر باشید. اگر صبح زود به این منطقه رسیدید، آفتاب زیبایی روی کوه‌ها تابیده و لذت زیبایی صبح زود را برایتان چندین برابر می‌کند. مسیر ادامه پیدا می‌کند تا جایی که در کنار روستای کاهکده، کوه شبیه به یک دیواره کاملاً صاف می‌شود. خدا قوت! اینجا باید پیاده شوید و صبحانه مفصلی صرف کنید.

### یک رودخانه نوردی سبک در دره

بعد از صرف صبحانه در مسیر پاکوب، دقیقاً پشت سر راهنما حرکت کنید. نترسید؛ راهی برای گم کردن مسیر ندارید! ولی بهترین راه را راهنمایان به شما نشان خواهد داد، پس به او اعتماد کنید. از اینجا قرار است شما پیاده‌روی در کنار رود را تجربه کنید و گاهی هم باید به آب بزینید. پس بهتر است هم یک دست لباس اضافه کامل برای خود همراه آورده باشید، هم از صندل‌های مخصوص دره‌پیمایی استفاده کنید؛ چرا که اگر کفش تان خیس شود، به دلیل دمای پایین آب و چند ساعت خیس بودن اطراف پایتان، با درد بدی در این ناحیه مواجه می‌شوید. پس بهتر است از صندل آن هم بدون جوراب استفاده کنید. نگران نباشید، مسیر نیازی به کفش کوهنوردی حرفه‌ای ندارد و پیمایش سبک است. در ابتدای کار باید از کنار قسمت عمیق و خروشان آب به صورت دست به سنگ که البته ساده است، رد

اخیر به نام منطقه کارگاهی شناخته می‌شود، جلوگیری خواهد کرد. خب شما هم برای اینکه وسیله نقلیه‌تان امنیت داشته باشد، آن را در پارکینگ یا در نزدیکی همین نگهبانی پارک کرده و برای اینکه خستگی راه را از تن بیرون کنید همه با هم پیاده شده، کمی نرمش کنید. در مورد سدی که به آن می‌رسید، باید بگوییم که این سد مثل اکثر سدهای دیگر کشور به قصد ذخیره آب جهت کشاورزی، تولید برق و ... ساخته می‌شود، اما افسوس که با پیش بینی های غلط در زمینه سدسازی، اکوسیستم منطقه کاملاً از بین می‌رود و به اکوسیستم ناپایدار تغییر می‌یابد. همینطور در این منطقه آبشار آتشفشان و آبشار کاهکده که از مهم ترین جاذبه های اکوتوریستی این منطقه هستند به زیر آب رفته و برای همیشه نابود می‌شوند.

### ادامه مسیر با وانت سواری!

در کارگاه سدسازی، وسایلتان را جمع کنید و با کوله‌های یک روزه سوار یک وانت قدرتمند شوید. حتما می‌گویید اگر می‌دانستیم وانت سواری هم دارد، خب با ماشین خودمان ادامه می‌دادیم. در جواب می‌گوییم شما مجبورید برای رسیدن به این آبشار از وانت استفاده کنید؛ به چند دلیل: اول از همه اینکه جاده‌ای که قرار است وارد آن شوید، دیگر آسفالت نیست و دارای شیب‌های خطرناک برای یک ماشین مسافرتی است. دوم اینکه افراد محلی به این جاده‌ها و نحوه رانندگی در آنها آشنایی دارند، بنابراین احتمال بروز خطرات رانندگی کمتر است. سوم اینکه لازم است از این طریق به افراد محلی سودی برسد تا هم شما از آنها حمایت کرده باشید و هم آنها در مواقع نیاز از شما حمایت کنند. حتی می‌توانید دلیل چهارمی هم برای خودتان داشته باشید؛ اینکه دوست دارید کمی هوا بخورید و مناظر زیبای اطراف را از پشت وانت تماشا کنید! اگر نمی‌دانید چطور با یک راننده وانت برای انتقال هماهنگی کنید، بهتر است از یک راهنمای طبیعت‌گرد که قبلاً این سفر را تجربه کرده و مسلط به منطقه است استفاده کنید.



## توضیح گردشگر

محل چشمه تا اتصال به رودخانه خرسان را فراگرفته است. شیب زیاد و پستی و بلندی‌های دره، آبشارهای زیادی را در طول منطقه ایجاد و زیبایی آن را دو صد چندان نموده است. این دره دارای ۷ آبشار تماشایی است که هر یک، خصوصیات منحصر به فردی دارند. آبشارهایی که در مسیر رودخانه خروشان خرسان، یکی از سرچشمه‌های اصلی کارون هستند و از کنار غارهای مزین به جلبک و خز و حوضچه‌های بسیار زیبا می‌گذرند. آخرین آبشار این مسیر، به آبشار فواره معروف است و قبل از رسیدن به این محل صعب العبور با سرچشمه اصلی رو به رو می‌شوید و امکان شناکردن در این آب خنک هم وجود دارد.

آبشار زیبای روستای کاهکده لردگان در بخش رودشت از توابع شهرستان لردگان، در فاصله ۷۰ کیلومتری مرکز این شهرستان، ۳۰۰ کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری و در ۱۵ کیلومتری سد خرسان واقع است. وجود ارتفاعات بلند و همچنین دره‌های عمیق با درختان بلوط و پوشش گیاهی خاص جلوه منحصر به فردی به این منطقه بخشیده است. نزدیکی به آبشار معروف آتشفشان لردگان و همچنین نیروگاه خرسان بر اهمیت این جاذبه گردشگری افزوده. آبشار آتشفشان در شهرستان لردگان در دره‌ای واقع شده به طول ۳ کیلومتر و در دل فضای سرسبز از انواع درختان و گیاهان جنگلی که مسیر آن از

شاید خیالتان راحت باشد، راهنمایان به شما می‌گویند چه کار کنید. بقیه مسیر ساده است. پیمایشی که گاهی در کنار آب و گاهی از روی پل‌های چوبی که فقط یک تنه درخت باریک هستند، ادامه پیدا می‌کند. در ایستگاه دوم، در سمت راست دره به فضای بازی می‌رسید که می‌توانید در آنجا استراحت کنید و اگر قصد بازدید از «آبشار چهل چشمه» را ندارید، همانجا اتراق کنید.

### یک درخت نوردی تا آبشار چهل چشمه

مسیر را از همان راه پاکوب ادامه دهید تا به یک آبشار برسید که کنار آن تعدادی تنه درخت است. از اینجا باید به جای صخره نوردی، درخت نوردی کنید؛ درختانی که پوشیده بودند و امروزه مردم محلی به عنوان پله از آنها استفاده می‌کنند! از آن، بالا بروید تا به فضای بازی برسید. درست در روبه‌روی تان دیواره‌ای صاف با شیارهایی باریک در دل آن می‌بینید که در فصل پربابی از اکثر این شیارها که در بالا مانند لوله هستند، آب با فشار زیاد بیرون می‌آید و آبشار چهل چشمه کاهکده را تشکیل می‌دهند. از این قسمت دره به بالا، دیگر نیاز به قوای جسمی و کمی اطلاعات فنی کوهنوردی دارید که بنابر وضعیت خودتان می‌توانید تصمیم بگیرید که ادامه بدهید یا نه. تا اینجا، چیزی نزدیک به یک ساعت دره پیمایی کرده‌اید. بهتر است کمی از سرچشمه آب بنوشید و به کنار دوستان برگشته و برای استراحت و صرف نهار آماده شوید.

### یک فنجان چای کوهی و تماشای خرس قهوه‌ای!

پوشش گیاهی غالب این دره شامل بوته‌های تمشک و درختان گردو است و در بالادست دره می‌توانید گیاهانی چون چای کوهی پیدا کنید و با دم کردن آنها لذتی دو چندان از طبیعت ببرید. همینطور این منطقه دارای جانورانی چون خرس قهوه‌ای سوری (خرس ایرانی که کوچک‌ترین خرس قهوه‌ای دنیاست)، روباه، شغال، کل و بز و ... است. ولی نگران نباشید، حیوانات در محلی که انسان باشد، ظاهر نمی‌شوند!

### طبیعت گردی مسوولانه

دیگر زمان بازگشت است، باید طوری حرکت کنید که یک ساعت قبل از حرکت اتوبوس، از دره خارج شوید. پس زمان را تنظیم کنید. دیدن انواع و اقسام زباله‌ها در مسیر، امری عادی است، پس اگر طبیعت‌گرد مسوولی هستید، بهتر است چند کیسه زباله با خودتان ببرید، محیط را تا جایی که می‌توانید تمیز کنید و کیسه زباله‌ها را در اولین شهر مسیر برگشت، دور بیندازید. توصیه دیگر من به شما این است که با کودکان محلی زیاد صحبت نکنید و اگر می‌خواهید شکلات و یا خوراکی بین آنها پخش کنید، با بزرگ‌ترهایشان مرتبط شوید.

### همه آنچه برای سفر به کاهکده نیاز دارید

اما در پایان لازم است وسایلی که احتمالاً در سفر به آبشار کاهکده مورد نیازتان قرار می‌گیرند را یادآوری کنم: بطری آب برای هر نفر، صندل دره پیمایی، یک دست لباس اضافه، پانچو (در روزها و فصل بارانی)، تنقلات (شامل دانه‌های چرب و شیرین یا همان شکلات و بادام و گردو)، کیف کمک‌های اولیه (برای فرد کمک‌رسان که معمولاً راهنماست)، طناب انفرادی ۷ میلی‌متری - ۱۱ متر (در صورت صلاحدید راهنما، بهتر است همراه داشته باشید)، نقشه مسیر و پول نقد (پول خرد) برای خریدهای احتمالی از مردم محلی.







## تور طبیعت‌گردی اسالم به خلخال

# جاده‌ای که جاذبه شد

سفری در یک محور سبز از ساحل دریا تا کوهستان مرتفع

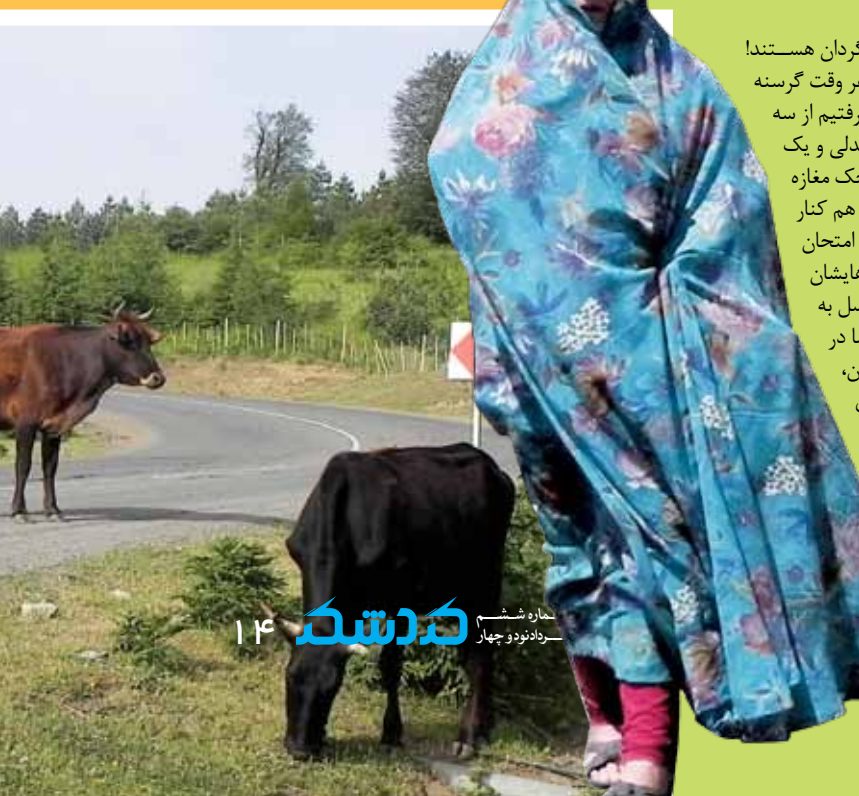
عادت داشته ایم که همیشه «جاده» را فقط به عنوان راهی برای رسیدن به «مقصد» تصور کنیم؛ جایی که باید با آخرین سرعت و کمترین توقف از آن عبور کنیم تا زودتر به مقصد برسیم و سفر تازه شروع شود! غافل از اینکه گاهی مسیر، خودش مقصد است؛ درست مثل جاده اسالم به خلخال. که مخصوصا بهار و تابستان جایگاه ویژه‌ای در برنامه تورهای طبیعت‌گردی آژانس‌های مختلف دارد. مسیر ۷۰ کیلومتری که شهر اسالم را به شهر خلخال وصل می‌کند و آن قدر جذاب است که برخی تورها نه به اسالم می‌روند و نه به خلخال! بلکه در جنگل‌های جاده بین دو شهر کمپ بر می‌کنند و از دیدن جنگل، کوه، آبشار، دشت و دریا لذت می‌برند.



بهار و تابستان، بساط سفر شمال به راه است. همه از هوای گرم مناطق جنوبی و مرکزی ایران به هوای نسبتاً خنک‌تر مناطق شمال و شمال غربی کشور پناه می‌برند. یکی از مسیرهای مورد علاقه شمال‌گردان، مسیری است که دو استان گیلان و اردبیل را به هم متصل می‌کند. یک سر این مسیر در منطقه اسالم است با انبوه جنگل‌ها که شما را به یاد اقلیم کشورهای جنوب شرق آسیا می‌اندازند. جاده کم‌کم ارتفاع می‌گیرد و پیچ و خم‌ها آغاز می‌شوند. هر چه از اسالم به سمت ارتفاعات خلخال می‌روید از انبوهی جنگل‌های دو طرف جاده کاسته می‌شوند. جنگل‌های انبوه سر اول مسیر به دشت‌های سرسبز و بیلاقی در خلخال منتهی می‌شوند. روستاهای مسیر نزدیک به هم هستند. آن قدر که گاهی نمی‌فهمید کجا روستای اول تمام و کجا بعدی شروع شده! ده خرج گل چسبیده به اسالم. خانه‌ها و شالیزارها را که دنبال کنید به محمودآباد و بیلاقی‌های «کرمون»، «زندونه»، «چهارسو»، «مطش»، «اسبوونی»، «ورگ‌دره» و به مرتفع‌ترین روستای اسالم؛ یعنی اسبه‌وونی می‌رسید. مرتفع‌ترین نقطه محور اسالم به خلخال هم گردنه الماس در خلخال است؛ جایی که جان می‌دهد برای عکاسی! از این به بعد هم جاده سرازیر است و شما را آرام آرام به «مجره» و سپس خلخال می‌برد.

### غذاگردی در یک محور رویایی

کافه‌ها و پلوکبابی‌ها، مهم‌ترین جاذبه‌های محور اسالم به خلخال برای غذاگردان هستند! احتیاجی نیست کنسرو و غذاهای آماده با خودتان ببرید. فقط کافی است هر وقت گرسنه شدید، سری به یکی از کافه‌های مسیر بزنید. «پلو کبابی» که ما در اسبه‌وونی رفتیم از سه بخش تشکیل می‌شد؛ در بیرون کافه گوشت تازه آویزان بود و چند میز و صندلی و یک منقل برای درست کردن سفارش‌های مشتری‌ها گذاشته بودند. وارد فضای کوچک مغازه که می‌شدیم، هم میز و صندلی داشت و هم تخت و پستی. یک سماور و قوری هم کنار مغازه بود که هر کس خواست بعد از ناهار، یک چای دیش برای خودش بریزد. امتحان کردن کباب پر و بره کباب را در این پلوکبابی‌ها از دست ندهید؛ چرا که کباب‌هایشان از گوشت تازه تهیه شده. از این روستا و روستاهای دیگر مسیر هم می‌توانید عسل به عنوان سوغات بخريد. عسلی خوشمزه و تر و تازه! دومین تجربه غذایی خوب ما در این سفر، یک ناهار در رستوران سردشت رودبار بود. در بازگشت به سمت اصفهان، «پلو مرغ» و «شامی کباب» این رستوران را امتحان کردیم. شلوغ بود و برای وارد شدن باید حداقل نیم ساعت در صف می‌ایستادید. غذا را با دورچین‌ها و دسرهای شمالی مثل «باقالی قاتق» ارائه می‌کرد و خب همین مساله تجربه غذایی را دلچسب‌تر می‌کرد. «ترشی تره»، «میرزا قاسمی»، «خورش گوجه» و البته «کباب ترش» هم از جمله غذاهای محلی خوشمزه‌ای هستند که قرار است مزه سفر شمال را تا ابد در ذهن شما حفظ کنند.







کسک ابراهیم جهاندار/تولناک



کسک همشهری آنالاین

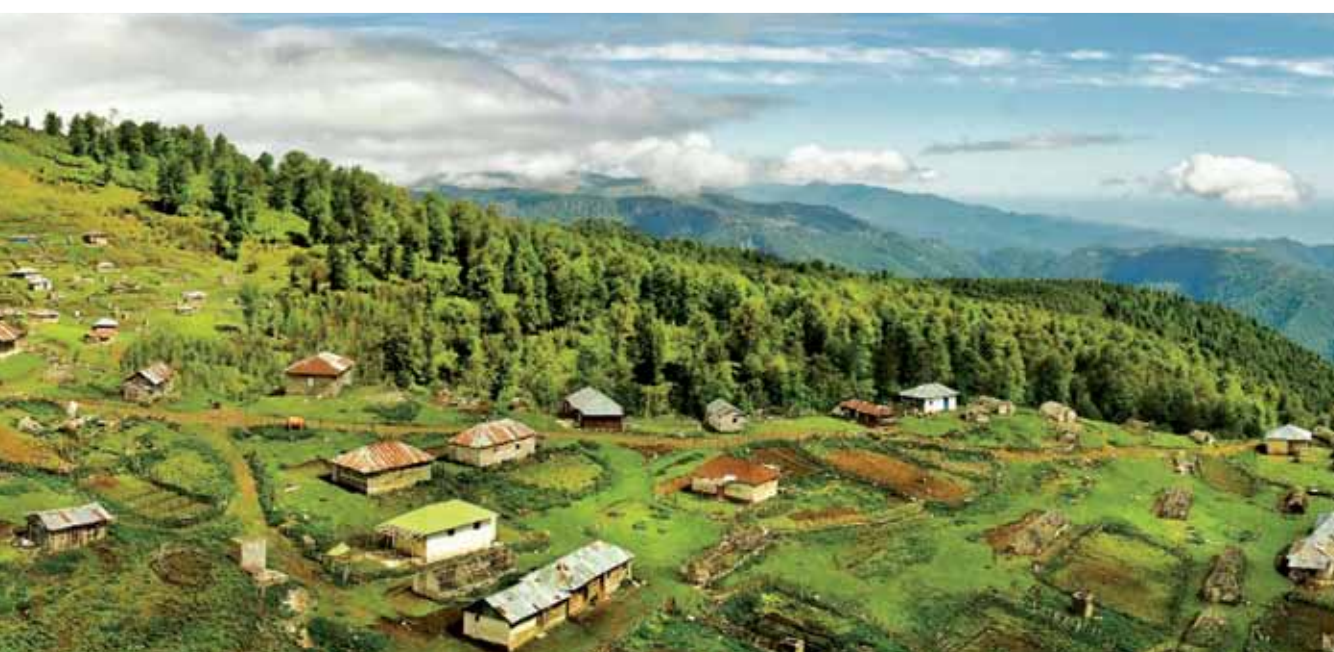
## اراضی ملی غرق در زباله!

بیشتر جنگل‌ها و بیلاق‌های حاشیه جاده اسالم به خلخال جزو «اراضی ملی» و غیرقابل خرید و فروش محسوب می‌شوند و دامداران برای چرای گوسفندان باید «پروانه چرا» داشته‌باشند. برای همین نه خرید و فروش زمین در این منطقه کار آسانی است و نه دامداری! یعنی ارزش اراضی منطقه خیلی بیشتر از آن است که فقط متعلق به یک نسل یا بخشی از مردم محلی باشد. این نکته مهم را اما خیلی از گردشگران از یاد برده‌اند. دلیل این است که هر جا می‌روید، با انبوه زباله آن هم در دل این اراضی زیبا رو برو می‌شوید. ما دو شب را در یکی از مناطق

## تونل سبزی که به دریا ختم می‌شود

همین راحتی ممکن بود، اشتباه می‌کنید. فقط کافی بود کمی پایتان را به آب دریا بزنید تا ماسه و لجن و موجودات زنده ریز از تمام بدنتان بالا بروند. این درحالی است که منطقه گیسوم شهرت جهانی دارد؛ جایی که کوه و جنگل و دریا در فاصله چند ده متری هم قرار گرفته‌اند و جز سبزی درختان و آبی دریا و آسمان، رنگ دیگری به چشم نمی‌خورد. پارک جنگلی گیسوم با مساحتی حدود ۸۰ هکتار، با درختان جنگلی انبوه و گونه‌های گیاهی خاصی که دارد، چشم انداز زیبایی را برای گردشگران فراهم می‌کند، این پارک با امکاناتی نظیر پارکینگ در داخل محدوده پارک، وسایل بازی کودکان، ورزشگاه، اردوگاه، پلاژ، هتل، مناطق پیک‌نیک روزانه، کمپینگ طبیعی، مسیرهای راهپیمایی، مجموعه فضاهای جنگلی باقیمانده در ناحیه شرقی، جنگل شمشاد و موزه طبیعی گل و گیاه با استقبال گردشگران رو برو شده است. دریای گیسوم هم با ساحل شنی و طرح‌های ویژه شن‌ها در شش ماهه نخست سال پذیرای گردشگرانی است که می‌خواهند آب تنی در خزر را تجربه کنند. همه این‌ها اما این روزها کمرنگ شده‌اند با ورود گردشگران بی‌شمار نه تنها جنگل گیسوم و ساحلش که تمام مسیر تحت الشعاع قرار گرفته‌اند.

گیلان برای خیلی‌ها به «آسالِم» مش معروف است. شهری که شبیه اصفهان، یک رود از میانش می‌گذرد. «ناورود» اسالم را به بخش تقسیم می‌کند و راهش را می‌گیرد و می‌رود تا به دریای خزر بریزد. ساحل گیسوم یکی از معروف‌ترین بخش‌های منطقه است. از ورودی جنگل گیسوم، مسیر جذابی پیش رو دارید. طاق نصرتی ۴ کیلومتری از درختان را طی می‌کنید تا به دریا می‌رسید. در تمام مسیر، کنار جاده فروشندگان محلی به خرید و فروش انواع خوراکی‌ها و البته گلیم و لباس‌های محلی و البته چینی و تایلندی می‌پردازند! رد جنگل را که بگیرید به بخشی از ساحل می‌رسید که برای وارد شدن به آن باید ورودیه بپردازید و بعد از امکانات مختلفش از جمله پیست موتورسواری و فروشگاه‌های سوغات و مواد خوراکی استفاده کنید. زمانی که ما رسیدیم، شنا در این قسمت ممنوع بود. راهنمای تور ما تصمیم گرفت وارد این منطقه نشویم مسیرمان را به سمت چپ ادامه دادیم تا به بخشی از ساحل رسیدیم که امکان پارک اتوبوس و استفاده از دریا وجود داشت. اما ساحل هیچ موهبتی نبود! ساحل پر از لجن و البته زباله‌های گردشگران پیشین. اگر فکر می‌کنید قدم زدن در ساحل به



## جنگل نوردی سخت در محوری زیبا

مسیرهای لاکه تاشون، دریابن، سوله سه ناو و ناو را همراه دارند. خره خونی و کبیاره هم بیلاق‌های دیگری هستند که در این مسیرها می‌توانید از آنها عبور کنید. البته برخی از تورها پیاده‌روی سبک را ترجیح می‌دهند و جنگل نوردی را منحصر می‌کنند به یک پیاده‌روی یکی دو ساعته از کمپ تا نزدیک‌ترین روستا و تازه اعضای که نمی‌توانند از پس جنگل نوردی یکی دو ساعته بریابند، در کمپ می‌مانند.

پیاده روی جدی در محور اسالم به خلخال برای همه ممکن نیست. تورهای طبیعت گردی حرفه‌ای جنگل‌پیمایی‌های ۶ تا ۸ ساعته روزانه را برای این مسیر در نظر می‌گیرند و روستاهای مختلفی را می‌بینند. یکی از مسیرهای پیاده‌روی از روستاهای اندبیل، ناو بالا و لاکه تاشون می‌گذرد. مسیر دوم روستاگردی در



گزارش تصویری | قلعه رودخان



گزارش تصویری نفیسه حاجاتی

منطقه حفاظت شده گشت رودخان و سیاه مزگی بیش از ۳۹ هزار هکتار مساحت دارد. سهم شهرستان فومن از این منطقه ۱۹ هزار هکتار است و مهمترین داشته اش، جنگل های هیرکانی با درختان سرخ دارو انجیری و گونه های متنوع گیاهی است. این منطقه همچنین است زیستگاه گونه های جانوری ارزشمندی شامل پلنگ، خرس، مرال کوهی و غیره است.

پله پله تا قلعه هزار پله

## ترش و شیرین قلعه رودخان



«قلعه رودخان» ترش و شیرین است. برای دیدنش باید تا روستای رودخان در گیلان بروید، میان جنگل های سیاه مزگی اتومبیلتان را پارک و ۱،۵ کیلومتر پیاده روی کنید. ۹۳۵ پله تا رسیدن به قلعه رودخان فاصله دارید. باید از روی پله های دامنه کوه آرام آرام بالا بروید. فروشنده های محلی با با پشمک، انواع نوشیدنی، باقالی، نان روغنی، غذاهای محلی، آش رشته، آش دوغ و زرد قلیان و از همه مهمتر لواشک های سبز و زرد و قرمز قلبی و ورقه ای تمام طول مسیر با شما هستند!







قبل از اینکه به اولین پله برسید، مغازه‌ها و میزهای فروشندگان محلی شروع می‌شوند و درست وقتی قرار است بلیت بخريد و وارد قلعه شوید، دو فروشنده دیگر روی پله آخر آلاسکا و دلستر به شما تعارف می‌کنند! بنابراین هیچ احتیاجی به بردن کوله آذوقه ندارید. فقط کافی است هر بخش از مسیر که احساس ضعف یا خستگی کردید، در یکی از آلاچیق‌ها بنشینید و گلوبی تازه کنید. زن و مرد و کودک هر روز صبح زود به دامنه کوهی که به قلعه رودخان منتهی می‌شود، می‌آیند تا رزقشان را از مسافران قلعه ایلخانی بگیرند.

در بین اهالی روستاهای منطقه این قلعه به نام قلعه رودخان و قلعه هزار پله معروف است و در متون تاریخی از آن به نام های قلعه حسامی و قلعه سگسال نام برده شده است. اصطلاح مرکب قلعه رودخان برگرفته از موقعیت جغرافیایی آن است. عنوان قلعه حسامی بیانگر تجدید بنای آن توسط حسام الدین دباح اسحقی است. همچنین از آنجایی که در طی کاوش های باستان شناسی در قلعه رودخان تعداد ۹۳۵ پله در امتداد دیوارها و برج ها از زیر خاک بیرون کشیده شده است، لذا نام قلعه هزار پله می تواند گویای این مطلب باشد. مزال شوکا، پلنگ، خرس قهوه ای، گراز، شغال، روباه معمولی، گربه جنگلی، سیاه گوش، تشی، گورکن، قرقاول و آبیا گونه های جانوری مهم منطقه را تشکیل می دهد. وجود تنوع زیستی بالا و اثر باستانی قلعه رودخان زمینه پژوهشی و گردشگری را در منطقه فراهم ساخته است. ما در تور اسالم به خلخال، اول از قلعه رودخان بازدید و سپس دو شب کمپینگ و گشت و گزار در محور اسالم به خلخال را تجربه کردیم.





## گزارش سفر و دوچرخه سواری از نئور تا سوباتان

# رکاب زنی از دریاچه تاجنگل

دریاچه نئور، کهنه ده بیلاق برزیل، چشمه باتمان بولاغ، گنج خانه، سرچشمه قنات سلسال و سوباتان

در جعبه اتوبوس یا پشت نیسان است و خب این ها چندان هم فرقی با هم ندارند به هر حال مهم این است که در اتوبوس نیستیم! در این سفر هم جایم کنار چهار دوچرخه شبیه به هم بود. بالاخره صداها کم و کمتر شدند، در جعبه بسته شد و حرکت کردیم.

ساعت هشت شب سیزدهم خرداد ماه، صداها شلوغ و مهممه آدم هارا می شنیدم که همدیگر را صدا می زنند و تلاش می کنند همه وسایل سفر را در اتوبوس جا بدهند تا هر چه سریع تر از اصفهان حرکت کنیم. جای من البته همیشه فقط

ساعت هشت شب، صداها شلوغ و مهممه آدمها را می شنیدم که همدیگر را صدا می زنند و تلاش می کنند همه وسایل سفر را در اتوبوس جا بدهند تا هر چه سریع تر از اصفهان حرکت کنیم. جای من البته همیشه فقط در جعبه اتوبوس یا پشت نیسان است و خب این ها چندان هم فرقی با هم ندارند به هر حال مهم این است که در اتوبوس نیستیم! در این سفر هم جایم کنار چهار دوچرخه شبیه به هم بود. بالاخره صداها کم و کمتر شدند، در جعبه بسته شد و حرکت کردیم.

متن و عکس احسان ناجی  
گرددشگر  
تنظیم و بازنویسی گرددشگر

### دریاچه وارونه نئور!

نزدیکی های ظهر با صدای در جعبه از خواب بیدار می شدم. اولین منظره ای که دیدم خیلی زیبا بود؛ نمای وارونه ای از دریاچه آن هم در فصل بهار در دشتی که غرق گل های زرد بود. من جاهای زیادی را دیده بودم ولی دریاچه نئور چیز دیگری بود. برعکس گذاشته بودم تا چرخ جلو را نصب کنند. حالا وقت آن بود که ما چهار دوچرخه را ببرند کنار کمپ در ساحل دریاچه نئور. بچه ها ناهار را درست کرده بودند و داشتند استراحت می کردند در حالی که ما در آفتاب بهاری، منتظر یک گشت و گزار درست و حسابی بودیم. صاحب من، اما زودتر از بقیه آمد و دوچرخه سواری و عکاسی دور دریاچه را شروع کرد.

بهترین زمان برای طبیعت گردی در ناحیه نئور به سوباتان، اردیبهشت و خرداد ماه است. با توجه به انتخاب مسیر، ممکن است مسافتی بین ۱۸ تا ۲۴ کیلومتر پیمایش شود. این پیاده روی بسته به توان جسمی گروه، زمانی بین هشت تا ۱۲ ساعت به طول می انجامد.

در منطقه نئور راهی به جز کمپ زدن کنار دریاچه ندارید و باید از قبل، غذا تهیه کرده باشید. ولی به سوباتان که رسیدید، می توانید خانه های محلی ساکنان را اجاره کنید. البته بعضی تورها هم در جادر و روی چمنزارها کمپ هایشان را برپا می کنند. در سوباتان به راحتی می توانید از محوطه حیاط یا سرویس های بهداشتی ساکنان استفاده کنید. آنها آن قدر مهمان نواز هستند که مشکلی برایتان پیش نخواهد آمد. همچنین در بازار سوباتان می توانید بهترین گوشت را خریداری کنید و یا هر غذایی دیگری را به راحتی تهیه کنید.



### شاسی بلندها روی چمن!

مسیرمان را طوری انتخاب کرده بودیم که از روی گل‌های کنار دریاچه رد نشویم، اما له شدن گل‌ها و پوشش گیاهی منطقه انگار برای ماشین‌های شاسی بلند و صاحبانشان هیچ اهمیتی نداشت! مسافران ماشین سوار روی چمن‌ها می‌نشستند و آتش درست می‌کردند هیچ گوش شنوایی هم نبود. گردشگران گروه ما تا دم غروب مشغول عکاسی بودند که ناگهان رعد و برق شد و وقتی تصمیم گرفتند تا کمپ دوچرخه‌سواری کنند، من پنجر شدم! به هر حال عاقبت دوچرخه‌سواری در مسیری که خار دارد، همین است دیگر. اما ظاهراً دیواری کوتاه‌تر از من نیست و همه بد و بیراهه‌ها نثار من می‌شود! بالاخره برگشتیم پای کمپ و دوستان رفتند داخل چادر تا باران بند بیاید و البته که مثل همیشه جایی برای من نیست. اما لذت دیدن رنگین‌کمان اول از همه نصیب خودم می‌شوم. کم‌کم هوا تاریک شد و تا بچه‌ها مشغول شام درست کردن شدند، ماه از پشت کوه سرک کشید و صاحب را دیدم که با دوربین و سه‌پایه دوید برای عکاسی از این منظره زیبا. شب، همه رفتند داخل چادرهایشان و من را قفل کردند به یک سطل آشغال؛ کاش حداقل طوری گذاشته بودندم که رو به دریاچه باشم!

برای سفر به منطقه نئور تا سوباتان، کفش کوه‌پیمایی سبک، لباس مناسب طبیعت گردی، کوله پشتی کوچک یک روزه، باتوم کوه‌پیمایی، کیسه خواب و زیرانداز، کاپشن بادگیر و لباس گرم اضافه، قمقمه آب (پر شده)، هدلمپ، کوله پشتی بزرگ و چادر را باید به همراه داشته باشید.

### با دوچرخه تا سوباتان

صبح زود همه گروه‌ها و بچه‌های خودمان بیدار شدند. همه‌همه عجیبی بود. صدای وانت نیشان‌ها و گرد و خاک جوری بود که انگار مغول‌ها حمله کرده‌اند! بچه‌ها کمی صبر کردند تا اوضاع آرام شود و بعد از خوردن صبحانه کوله‌ها را بستند و حرکت کردند. راستش را بخواهید، اولش زیاد بد نبود. اما همین که وارد شیب شدیم، فشار زیادی را تحمل کردم. چرخ‌دنده‌ها و لاستیک‌هایم نصف‌العمر شده بودند. جالب این بود که از کنار هر کس رد می‌شدیم، به صاحبم خدقوت می‌گفت، انگار نه انگار این منم که دارم زیر فشار مسیر له می‌شوم! شیب خیلی سخت و طولانی بود و دو ساعتی طول کشید، البته خدا را شکر مناظر به قدری زیبا بودند که دوچرخه‌سوارهایمان دلشان نمی‌آمد از آنها بگذرند بنابراین مدتی می‌ایستادند که عکس بگیرند و من هم از فرصت برای استراحت استفاده می‌کردم. همینطور که جاده را بالا می‌رفتیم به یک دوراهی رسیدیم. راه سمت چپ به «شکردهشت» می‌رسید و راه مستقیم به «سوباتان». ما راه مستقیم را انتخاب کردیم که بالاخره در ارتفاع نزدیک به سه هزار متری سربالایی تمام شد و از سمت چپ وارد یک شیب شدیم. اولش خیلی خوشحال بودم. فکر کردم دیگر راحت شده‌ام، ولی اما دیسک ترمز داغ کرده بود و به سختی عمل می‌کرد. جاده سنگلاخ بود و کمک فترم تمام تلاش خودش را می‌کرد که این فشار را تحمل کند. انگار یادشان رفته بود من دوچرخه‌دان هیل نیستم! به هر حال به دشت شقایق رسیدیم. بعد از دو ساعت، بالاخره به روستای سوباتان رسیدیم. دوچرخه‌سوارها ما را روی چمن‌ها در آفتاب رها کردند و خودشان در کافه کوچک روستا، چای سفارش دادند و به خاطرات جوانی کافه‌دار گوش دادند.





هزینه تقریبی سفر از اصفهان به سویاتان و نئور شامل حمل و نقل، اقامت، کرایه نیشان و خورد و خوراک است. هزینه وسیله نقلیه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خواهد شد. هزینه اقامت در خانه‌های محلی سویاتان حدود ۵۰ هزار تومان است. برای کرایه کردن نیشان هم از نئور به سویاتان باید حدود ۳۰۰ هزار تومان بپردازید.





هم سفرهای بدون دوچرخه‌مان را پیدا نمی‌کردیم. از شیب تند پایین رفتیم تا به کلبه جنگلی برسیم و هم سفرانمان را پیدا کنیم. به کلبه که رسیدیم تیم نرسیده بودند و وقتی با نیشان بالا رفتیم تیم ما داشتند به طرف کلبه جنگلی می‌آمدند! به هر حال به پایین دامنه برگشتیم و یک کلبه جنگلی گرفتیم برای یک شب اقامت در سوباتان. صاحب خانه کلبه‌اش را به گروه ما اجاره داده بود و خودش با زن و بچه تا صبح در ماشین خوابیدند! صاحب من هم که دلش گرفته بود تا صبح کنار رودخانه قدم زد.

### ناهار در کنار آبشار

کمی که گذشت، گروه تصمیم گرفت آبشار سوباتان را هم ببینند و خب این یعنی من باید یک ساعت رکابزنی در شیب را تاب بیاورم. دشت‌ها پر از شقایق بودند. به آبشار که رسیدیم، باز ما را زیر آفتاب رها کردند و دوچرخه‌سوارها سریع رفتند زیر آبشار تا از گرمای هوا فرار کنند. حالا نوبت استراحتشان بود. یک ناهار سبک خوردند؛ نان و پنیر و عسل! حالا داشتیم به سوباتان برمی‌گشتیم. به روستا که رسیدیم، همه‌مه و شلوغی عجیبی بود. میان جمعیت

بسیاری از طبیعت گردان ایران، منطقه نئور و سوباتان واقع میان دو استان اردبیل و گیلان را بهشت ایران خوانده‌اند. البته شما نیز با دیدن عکس‌های آن با طبیعت گردان هم نظر خواهید شد. راه دسترسی به سوباتان جاده‌ای است خاکی و بسیار ناهموار. مسیر پیاده از دریاچه نئور تا روستای سوباتان حدوداً ۲۰ کیلومتر است. طول مسیر پر است از چشمه‌های زلال، شقایق‌ها، آلا‌ها و چمنزار. منطقه نئور تا سوباتان به لحاظ آب و هوا و مناظر و گل‌های زیبا کاملاً منحصر به فرد است و بیلاق سوباتان مناظر در مه بسیار زیبایی دارد و آبشار سوباتان که خود به تنهایی جاذبه‌ای بی‌نظیر است. همچنین در این منطقه ییلاقی، معدن مس و آثار تاریخی کاروانسرای شاه عباسی و قبرهای ماقبل تاریخ در محلی به نام «کندی» یا «کهنه‌ده ییلاق برزیل» وجود دارد. نقاط دیدنی روستای سوباتان عبارتند از: چشمه باتمان بولاق (بین سوباتان و اسبومار)، منطقه باستانی گنج‌خانه و سرچشمه اصلی قنات سلسال.

در این مسیر بسیار مواظب سنگ‌های عشاير باشيد و دسته جمعی و به آرامی از کنار آنها رد شوید. با دیدن هر غریبه‌ای چنان پارس می‌کنند که گویی قصد تکه پاره کردن شما را دارند. البته عشاير مهربان مواظب شما هستند. عشاير با صورت‌های سفید و گونه‌های سرخ با مهربانی با شما برخورد می‌کنند؛ به شما لبخند می‌زنند؛ و حتی ممکن است از شما درخواست کرم ضد آفتاب کنند!

### از سوباتان تا اصفهان

یک صبح زیبا با صدای خروس، بدون دود و ترافیک و بوق، درست وسط جنگل شروع شد. بعد از صبحانه ما تا محل اتوبوس تازانیدیم. مخصوصاً اینکه مسیر شیب ملایمی داشت و هوای صبحگاه مایل به مرطوب بود و لذت‌بخش. بالاخره ساعت ۹ صبح به اتوبوس رسیدیم. تا چرخ جلوی ما را در بیاورند و در جعبه اتوبوس بگذارند و همه سوار شوند، ساعت ۱۰ شده بود و بعد وقتی در اصفهان مرا از جعبه بیرون آوردند، نیمه شب شده بود و آخرین بخش سفر همین رکابزنی تا خانه بود؛ یک پایان خوب برای یک سفر سه روزه طبیعت‌گردی.

برای رسیدن به منطقه دریاچه نئور، از اصفهان که حرکت کنید، باید مسیر دلیجان، بوئین زهرا، قزوین، اتوبان زنجان، سرچم، خلخال و اردبیل را طی کنید تا نرسیده به اردبیل، در روستای عباس آباد به دریاچه نئور برسید. در مسیر برگشت هم می‌توانید از تالش، فومن و قزوین گذشته به بوئین زهرا و اصفهان برسید.







## میانکاله در خطر است پیک نیک در پناهگاه حیات وحش

وقتی به شبه جزیره میانکاله در منتهی الیه جنوب شرقی دریای خزر رسیدیم، شوکه شدیم. باورمان نمی شد این صف عظیم خودرو در ورودی یکی از مهم ترین زیستگاه‌ها و پناهگاه حیات وحش ایران وجود داشته باشد. ما مجوز ورود را به مأمور درب ورودی نشان دادیم و وارد منطقه شدیم. تا رسیدن نیشان و راهنمای محلی باید کمی صبر می کردیم. باد نسبتاً تندی می وزید، برای همین کنار درب ورودی به انتظار نشستیم. چیزی که ما اناراحت و نگران می کرد، ورود گردشگران عادی بدون مجوز بود؛ کسانی که فقط با یک تلفن و با گاهی آشنایی دادن دامداران محلی، اجازه ورود دریافت می کردند.

### در جست وجوی کشتی به گل نشسته!

به قدری زیاد بود که چند ماشین فقط در ماسه‌ها گیر کرده بودند. موقع گشت و گذار کنار کلبه‌های ماهیگیری غرق در زباله، به نگرانی تنها برخوردیم. از او درباره وضعیت صید در حال حاضر که فصل صید ممنوع است، پرسیدم. با آهی، گفت: «ای بابا صید که انجام می‌شه، ماهیگیرا گرسنه‌ن و قاچاقچیا صیادا». همان طور که با هم در جنگل قدم می‌زدیم، در مورد شکار گراز در این آشفته‌بازار بازرسی و نگرانی خروجی، پرسیدم و او فقط لبخند تلخی زد! دیگر هنگام غروب بود و پرندگان با صداهای خاصی که نمی‌دانم از خوشحالی بود یا از غصه، به استقبال شب می‌رفتند. من اما دنبال دلیلی برای اینهمه بی‌توجهی می‌گشتم. صبح زود هنگام طلوع برای عکاسی از مناظر از خواب برخاستم. واقعا دلیلی برای گردش بیشتر در منطقه نداشتم چون هم زمان کم بود و هم می‌ترسیدم اوضاع محافظت از بقیه جاها بدتر از این باشد برای همین صبحانه را خوردم و ترجیح دادم هر چه زودتر این شبه جزیره را ترک کنم.

ما ابتدا به بخش شمالی جزیره رفتیم تا کشتی به گل نشسته را ببینیم. وزش باد، کم کم شدت گرفته و خاک زیادی بلند کرده بود. بنابراین ما که قرار بود تا نزدیکی‌های «آشورا ده» برویم علاوه بر مسیر طولانی باید نگران کمپ شبانه هم می‌بودیم. بعد از نیم ساعت حرکت در جاده تصمیم گرفتیم برگردیم و در جنگل‌های حوالی ورودی جزیره کمپ بزنیم. درست شبیه سیزده به در یا پارک‌های کنار زاینده رود، مسافران در پناهگاه حیات وحش میانکاله بساط پیک نیک پهن کرده بودند! خانواده‌ها روی چمن‌ها آتش روشن می‌کردند و تور والیبال و بساط قلیان و انبوه زباله هم به راه بود. کمپ را برپا کردیم و آتش را هم در زمینی که قبلا در آن آتش روشن کرده بودند. بعد از ناهار برای گردش در جزیره آماده شدیم. نمی‌دانم چرا همه چیز این سفر برایم غیرمنتظره بود! ماشین‌های شخصی با سرعت بسیار زیاد کنار ساحل و پیراژ می‌دادند تا حدی که اگر حواست را جمع نمی‌کردی ممکن بود زیرت بگیرند! تعداد اتومبیل‌های شخصی





### «ذخیره گاه طبیعی زیست کره» در خطر است!

شبه جزیره میانکاله در ۱۲ کیلومتری شمال شهر بهشهر واقع در استان مازندران ایران، مساحت آن بیش از شصت و هشت هزار هکتار و ارتفاع آن بین ۱۵ تا ۲۸ متر کمتر از سطح دریای آزاد است. شبه جزیره میانکاله، خلیج گرگان و جزیره آشوراده بخشی از پناهگاه حیات وحش میانکاله هستند. سابقه حفاظت میانکاله به سال ۱۳۴۸ می‌رسد که به عنوان «منطقه حفاظت شده» تعیین شد. در سال ۱۳۵۴ میانکاله، خلیج گرگان و تالاب‌های اطراف آن به عنوان یکی از نخستین تالاب‌های بین‌المللی در کنوانسیون رامسر به ثبت رسید و در همان سال درجه حفاظتی آن به «پناهگاه حیات وحش» ارتقا داده شد. یک سال بعد نیز یونسکو آن را به عنوان «ذخیره گاه طبیعی زیست کره» اعلام کرد. ارزش زیست‌محیطی این منطقه بیشتر به دلیل حضور حدود ۲۰۰ گونه پرنده است. اغلب آنها از پرندگان مهاجر هستند که برای زمستان‌گذرانی به میانکاله می‌آیند. البته به علت وجود پوشش‌های درختچه‌ای و امنیت کافی، محل زیست

دائمی قرقاول خزری و دراج هم محسوب می‌شود. همچنین پوشش گیاهی و جانوری ویژه و چشم‌اندازهای طبیعی و متنوع آن به ویژه در منطقه ساحلی، این محدوده را به یکی از قطب‌های مهم گردشگری در استان مازندران و شمال کشور مبدل کرده است. یکی از دلایل اهمیت میانکاله این است که در تمام سواحل جنوبی دریای خزر هیچ منطقه‌ای جز آن وجود ندارد که محیط طبیعی آن در وضعیتی نسبتاً دست‌نخورده باقی مانده باشد. تمامی سواحل دیگر به طور گسترده با ساخت‌وسازهای انسانی همچون جاده، شهر و روستا و کارخانه‌ها دگرگون شده‌اند. به همین دلیل سلامتی این منطقه اهمیت بسیاری در حفظ سلامتی کل دریای خزر دارد. سلامتی نسبی میانکاله موجب شده تا تالاب‌ها و سواحل این منطقه علاوه بر پرندگان مهاجر، محل تخم‌گذاری و زیستگاه اصلی بسیاری از ماهیان دریای خزر نیز باشد، به ویژه کپور و کفال و ماهیان خاویاری. نزدیک به نیمی از خاویار ایران از آب‌های این منطقه صید می‌شود.



### داریم نفس میانکاله را می‌گیریم

گردشگر آنلاین، ۲۱ خرداد ماه: امروز حیات میانکاله به خطر افتاده نه فقط به دلیل توسعه گردشگری یا ساخت‌وساز، بلکه به دلیل به هم خوردن چرخه هیدرولوژیکی دریای خزر و صید بی‌رویه و فعالیت‌های کشاورزی و کشتیرانی در کشورهای شمالی دریای خزر که باعث شده به تدریج تالاب میانکاله ذخایر خود را از دست دهد. البته مدیرکل اداره محیط‌زیست استان مازندران، میانکاله را همچنان استوار می‌پندارد و بسیاری از خطرهای را با کمک دادگستری و دیگر سازمان‌های دولتی مثل شیلات برطرف کرده است. این موقعیت خاص تالاب باعث شده که هر ساله میزبان تعداد بسیار زیادی از پرندگان مهاجر مثل فل‌مینگو باشد. مکان‌هایی در تالاب میانکاله وجود دارد که به دلیل عمق کم و شیرین بودن آب، محل مناسبی برای تخم‌گذاری ماهیان استخوانی نظیر کپور ایجاد می‌کند. میانکاله در ظاهرش قرص و محکم ایستاده است، ولی در درونش تغییرات محسوس در حال رخ دادن است، تغییراتی که ممکن است در درازمدت محیط‌زیست و حیات وحشش را با تهدید جدی مواجه کند. پایین رفتن مساحت قابل ملاحظه‌ای از آب دریا باعث شده که خشکی آن بیشتر شود. همین قضیه کافی است که پای انسان‌ها بیش از پیش به این منطقه باز شود. بازم هم سودای درآمدزایی از این منطقه در ذهن افراد سودجو بیشتر خواهد شد و آن موقع است که تصرفات زمین و تبدیل آنها به زمین‌های کشاورزی و اماکن توریستی اتفاق می‌افتد. مخاطراتی که حیات این پناهگاه حیات‌وحش و ذخیره گاه زیست کره را با تهدید جدی مواجه کرده است؛

تهدیداتی که ریشه در رفتار ما انسان‌ها دارد. در هر صورت این بهشت کوچک را باید جدی گرفت. شکار پرندگان و صید ماهی به نظر نمی‌رسد متوقف شده باشد، شاید کم شده اما قطعاً متوقف نشده است. هنوز جوامع محلی منتظر فرصتی هرچند اندک برای بهره‌گیری از ذخایر این تالاب با ارزش هستند. هنوز توسعه گردشگری در تنها جزیره دریای خزر؛ یعنی آشوراده آمال و آرزوی بسیاری از مطالبه‌کنندگان این طرح است. از این‌روست که همچنان فشار بر این شبه‌جزیره باقی مانده است. نه صید و شکار غیرمجاز متوقف شده و نه توسعه گردشگری آشوراده به کلی متفی. این‌ها همه نشان از این دارد که هنوز ما متوجه اهمیت محیط‌زیست و چیزی که اسمش را می‌گذاریم ذخیره گاه زیست کره نیستیم؛ یعنی نمی‌دانیم وقتی می‌گوییم پناهگاه حیات‌وحش؛ یعنی اینکه نباید پرندگان را شکار کرد، نباید با ساخت‌وساز آرامش را از گونه‌های جانوری این منطقه گرفت. میانکاله به مانند دیگر مناطق حفاظت‌شده ایران اکوسیستم بسیار شکننده‌ای دارد. هرگونه تغییری در آن می‌تواند خسارت غیرقابل جبرانی به همراه داشته باشد. سازمان شیلات به‌جدا باید جلوی صیدهای غیرمجاز را بگیرد. صید در فصل غیرمجاز مشکل تمام سواحل کناری دریای خزر است. فقط کافی است به سواحل دریای خزر از منتهی‌الیه غرب دریای خزر یعنی آستانارا گرفته تا منتهی‌الیه شرق یعنی همین میانکاله برویم. آنگاه به راحتی می‌توانیم تعداد زیادی صیاد غیرمجاز را مشاهده کنیم. خودمان داریم نفس طبیعت‌مان را می‌گیریم.



نگاهی به نمایشگاه سالانه ملی نقاشی اصفهان  
از نگاه گردشگر در موزه هنرهای معاصر اصفهان

# اصفهان در نقالی رنگ‌ها

عکس احسان تحویلیان  
عکاس

«اصفهان» به تعبیر دکتر بهمن نامور مطلق، پتانسیل‌های بی‌شماری برای یک «اسطوره شهر» جهانی بودن دارد و خب طی سال‌های طولانی حیات این شهر، حضورش همواره در شعر، ادب و هنر این اقلیم پررنگ و تأثیرگذار بوده؛ چه در عکس‌های عکاسان ایرانی و فرنگی، چه در سفرنامه‌های جهانگردان و چه در شاخه‌های مختلف هنر؛ از معماری گرفته تا موسیقی، آواز و نقاشی. ماه گذشته، موزه هنرهای معاصر اصفهان و دو گالری کتابخانه مرکزی شهر داری، میزبان یک نمایشگاه با عنوان «سالانه ملی نقاشی اصفهان از نگاه گردشگر» بودند. در مجله گردشگر تا به حال به عناوین مختلف از اصفهان گفته‌ایم؛ چه در شماره ویژه نوروز که پرونده اصفهان‌گردی داشتیم. چه در شماره چهارم که طرح جلدمان کانوسواری قایقران تیم ملی در زاینده‌رود بود. حالا در این شماره گردشگر همراه با حسین تحویلیان، نقاش و مدرس دانشگاه، در موزه هنرهای معاصر اصفهان گشتی زده و نظرات این هنرمند را درباره تعدادی از آثار این نمایشگاه جو یا شده است. توضیحات این مدرس دانشگاه را درباره منتخبی از آثار نمایشگاه را در ادامه می‌خوانید.

## علی قطبی / تکنیک اثر: اکریلیک

دوره جدید کارهای علی قطبی، حول محور پرداختن به فرم می‌شود؛ یعنی پرداختن به فرم عناصر و عمده کردن فرم. او با کنار هم گذاشتن سطوح رنگی در آثارش، کارهای شیرینی ارائه می‌دهد. در بقیه کارهایش، فیگور نقش اساسی داشت ولی در آثار جدید او، این فضاهای شهری هستند که نقش اساسی دارند. در اثری که برای این نمایشگاه ارائه شده، عناصر معماری اصفهان را می‌بینید و پرسپکتیور کار به گونه‌ای است که این عناصر شما را به داخل اثر می‌برند. در این اثر هم نقاش به ژرفای فرهنگی اصفهان اشاره داشته است. به تعبیر حسین تحویلیان، هر هنرمند در زیست هنری‌اش عبورها، فرارها و رسیدن‌هایی دارد. هنرمند در مواقعی باید از عناصری که در دستش هستند، فرار کند. هنرمندی که نتواند از دست کارهای خودش فرار کند، شجاعت ندارد. علی قطبی که پیش از این مجموعه با طراحی‌های قوی، آثار پرعنصر و قدرتمند شناخته می‌شد، در مجموعه اخیرش که ریشه در فرار او دارد، به رنگ و فرم روی آورده. او با عناصر ساده به یک نوع ناب بودن و بی‌واسطه بودن رسیده است.

## پروین اریسیان / تکنیک اثر: ترکیب مواد و کلاژ

اریسیان، در این اثر دو کار مهم انجام داده؛ وقتی با فاصله نقاشی را نگاه می‌کنید یک شاکله هندسی که نشان از شهریت دارد، می‌بینید. سپس اثر، شما را به درون دعوت می‌کند. نزدیک‌تر می‌روید و متوجه جزئیات می‌شوید و می‌بینید که منظر یا موتیف‌هایی از فضای اصفهان را در خودش دارد. این دو پلانه بودن کار، اثر را شیرین و قشنگ کرده. اینجا تفسیر یا نگاه اریسیان از اصفهان را می‌بینیم. این برداشت شخصی اوست.









## اصفهان گردی نقاشانه

در نمایشگاه «سالانه ملی نقاشی اصفهان از نگاه گردشگر» نقاشی‌هایی از هنرمندان سراسر کشور به نمایش گذاشته شدند که همه یک وجه مشترک داشتند؛ حضور اصفهان یا به تعبیر درست‌تر تفسیر نقاش از تجربه‌اش در این شهر. این تجربه، گاه از زیست هنرمندانه نقاش در اصفهان سرچشمه گرفته و گاه پایی در تجربه سفر یا سفرهای او به این شهر دارد. در برخی از آثار حضور اصفهان پررنگ و رک و پوست‌کنده است، اما در برخی دیگر، شما باید از لایه‌های مختلف اثر عبور و اصفهان را جست و جو کنید. آثار این نمایشگاه حاصل سه ورکشاپ بودند؛ اولین کارگاه با حضور دانشجویان رشته نقاشی، هنرمندان جوان و اعضای انجمن نقاشان در حمام دردشت برگزار شد. از مدیران گروه‌ها در دانشگاه‌های مختلف خواسته شد تا دانشجویانی که پتانسیل حضور در ورکشاپ‌ها و تولید اثر را دارند، معرفی کنند. ورکشاپ دوم با حضور ۱۱ هنرمند شناخته‌شده اصفهان در خانه مشروطه برگزار شد و کتابخانه سلامتین (پشت عالی قاپو) میزبان ورکشاپ سوم با حضور ۴۰ هنرمند نقاش بود. انتخاب این محل‌ها بیشتر به دلیل ایده‌دهنده بودنشان برای هنرمندان بوده است. و البته اینکه قرار بوده کارگاه چهارمی هم برای هنرمندان مطرح شهرهای مختلف برگزار و از آنها دعوت شود به اصفهان بیایند و به خلق اثر بپردازند، اما مشکلات مالی و زمانی باعث شده فقط با آنها تماس گرفته و دعوت شود که اگر اثری با موضوع اصفهان دارند برای این سالانه بفرستند. بنابراین در پایان، چیزی نزدیک به ۱۲۰ اثر (یعنی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کل آثار نمایشگاه‌ها) صرفاً برای این سالانه تولید شده‌اند و هنرمندان و افراد دیگر هم تشویق شده‌اند که با موضوع اصفهان کار کنند. حسین تحویلیان درباره هدف از برگزاری این رویداد، گفت: «اصفهان ابنیه و جاذبه‌های زیادی دارد که گردشگران زیادی هم برای بازدید از آنها به اصفهان می‌آیند. اگر قرار باشد ما با نقاشی هم پذیرای گردشگران باشیم، باید رویکردمان تولید آثار متنوع و در عین حال نزدیک به اثر فاخر باشد». به گفته تحویلیان، معصومه مظفری (رئیس انجمن نقاشان ایران)، رضوان صادق زاده (هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)، احمد و کیلی (از نقاشان و طراحان معروف ایران) سه داور غیراصفهانی این نمایشگاه بودند و البته از غلامحسین نامی هم برای داوری رویداد دعوت شده بوده که او به دلیل سفر کانادا نتوانسته این وظیفه را برعهده بگیرد. همچنین دکتر اصغر جوانی (رئیس دانشکده نقاشی دانشگاه هنر اصفهان) و حمیدرضا صالحی (رئیس انجمن نقاشان اصفهان) دو داور دیگر سالانه ملی نقاشی اصفهان بودند. در انتها شهرداری اصفهان (کمیته گردشگری) تعداد ۱۸ اثر را به عنوان برگزیدگان اعلام کرد؛ فریناز ابراهیمی، پرویز افشاری، طهمورث بهادرائی، سلمان بهرام نژاد، فرشید داوودی، علی ذباح، مهناز راست قلم، زهرا روستایی، حسین رضایی مقدم، منوچهر سلطانی، کیوان سماواتیان، داریوش شفیعی، جواد شریفی گهروبی، نگار عباسی فر، شاهین قایدی، یحیی گمار، ماندانا مغزیان و حمید مومن زاده.

## حسین تحویلیان / تکنیک اثر: رنگ روغن

حسین تحویلیان با دو اثر در این نمایشگاه شرکت کرد که یکی از آنها حاصل ورکشاپ دوم نمایشگاه است. او درباره این اثر گفت: «طبیعتاً پیش از کار به امان‌ها و ویژگی‌های اصفهان فکر کردم. اصفهان برای ما که در این شهر زندگی می‌کنیم، نسبت به کسی که از بیرون می‌آید، مقداری متفاوت است. ما طی زمان با جزئیات و اخلاق شهری از اصفهان رو به رو شده‌ایم که این برای افرادی که از خارج از اصفهان می‌آیند، زیاد قابل درک نیست». او ادامه داد: «اصفهان به نظر من شهری است که در کل تاریخ به جز مکانش، فرهنگش هم گسترش پیدا کرده. به ویژه از دوره صفویه به بعد و اصفهان هنوز هم به عنوان یک شهر فرهنگی در جهان، امتداد دارد. هنر، فرهنگ و دستاوردهای اصفهان هم در سطح جهان گسترش یافته». در قسمت پایین اثر چیزی از اصفهان نشان داده شده که انگار زیرخاکی است و دیگر وجود ندارد و این نشانه‌ها تا دوره اسلامی و حتی معاصر هم امتداد پیدا می‌کنند. برای کامل شدن ترکیب‌بندی، منظره هوایی اصفهان، قسمت بازار هم در اثر جای گرفته. تحویلیان تاکید کرد: «من اصفهان را فضایی دیدم که عمق زیادی دارد. حس من از اصفهان همیشه این بوده که این شهر جزو شهرهای بسیار ژرف است؛ یعنی وقتی دارید در یک کوچه سنتی‌اش قدم می‌زنید، ژرفای زیادی، هم در فضای معماری و هم در فرهنگ و مردمش می‌بینید. مکانی نیست که از طولش رد شویم، باید در عرضش تامل کنید». تحویلیان از «مسجد جامع» به عنوان بنای مورد علاقه‌اش در اصفهان یاد می‌کند و تاکید می‌کند که این بنا حضور پررنگی در آثارش دارد؛ چراکه داده‌های بصری زیادی برای او ایجاد کرده و خیلی غنی است. او البته هیچ وقت مجموعه‌ای به نام این بنا نداشته، اما حضور مسجد جامع در چند مجموعه اثر از این نقاش محسوس است. مخصوصاً در مجموعه‌های عبور ۱ و ۲ و حتی در جدیدترین مجموعه اثر او به نام «رابطه عاشقانه» که به تازگی به نمایش درآمده است.

## طهمورث بهادرائی / تکنیک اثر: اکریلیک

کارهای آقای بهادرائی همه اصفهان هستند. لذومی نیست که آدم خیلی زحمت بکشد تا امان‌های اصفهان را در این آثار پیدا کند. عناصر نقاشی‌های او درون مایه عناصر و موتیف‌های اسلامی دارند که دفرمه و ترجمه شده‌اند. ترکیب‌بندی‌های معماری را هم به صورت شکسته شده در کارهایش می‌بینیم. در این مجموعه اصفهان، فضاهای شرقی و ایرانی حضور غالبی دارند.





### سمیرا پاشا/ تکنیک اثر: اکریلیک

تکرار و همه‌المان‌های اصفهانی بودن در آثار سمیرا پاشا هستند ولی در انتخاب رنگ، او از رنگ‌های گرم که وقتی آرام آرام به سمت بالا می‌روند، فشرده می‌شوند و حس حیات و انرژی بیشتری دارند، استفاده کرده و این می‌تواند جزو ویژگی‌های کار او باشد. نگاهش جدید است و برش‌های زمانی و مکانی در این اثر وجود دارند.



### فرشید داوودی/ تکنیک اثر: ترکیب مواد

فرشید داوودی اصالتاً تهرانی است، ولی در اصفهان مشغول تحصیل فوق لیسانس است. این هم یکی از کارهای مجموعه‌ای است که قبلاً در گالری آپادانا به نمایش گذاشته. این برش روزنامه‌ها جزو همان نکاتی است که هنرمند ناگهان به آن می‌رسد. خیلی شیرین است، ولی خوب ادامه‌اش ممکن است خیلی ظرفیت نداشته باشد. در این دو کار، ابتدا لایه‌های رنگی را می‌بینیم که از دل برش روزنامه‌ها به دست آمده‌اند، بنابراین متریکال روزنامه نقش مهمی در تولید اثر داشته مخصوصاً که ما بخشی از روزنامه را در این اثر می‌بینیم که اصولاً در زاویه دید عمومی ما نیست. خطوط افقی، زمان را به یادمان می‌آورند و برشی که خورده، ما را به سمت یک بخش از نگارگری یا بخش‌های سنتی‌تر می‌برد، تا حدودی به گونه‌ای شعارآمیز دارد لایه‌پذیر شدن و آمدن عناصر جدید روی همدیگر را به ما ارائه می‌دهد. قشنگ است ولی تا حدودی کار پوستری است. البته برداشت دیگر هم این است که ایده اثر، ملهم از چهلستون و لایه نقاشی‌های صفوی که زیر لایه نقاشی‌های قاجاری پنهان شده‌اند، برمی‌گردند.





### فضاهای هنری شهری جاذبه‌های توریستی اصفهان جدید

کشورهای مختلف از پتانسیل هنرهای تجسمی برای جذب گردشگران بیشتر استفاده کرده‌اند. در پاریس «محلّه مون‌مارت» به پاتوق هنرمندان تبدیل شده و گردشگران در کنار دیدن موزه‌های مختلف هنری، ساعت‌ها در این محلّه میان نقاشان و هنرمندان می‌چرخند، اما اصفهان با وجود داشتن هنرمندان نقاشی که در جهان شناخته شده هستند (از سمبات در کیورقین گرفته تا محمود فرشچیان و هنرمندان معاصر که آثارشان در حراج‌های بین‌المللی با قیمت‌های چند هزار دلاری به فروش می‌رسند) و پتانسیل فضاهای شهری‌اش هنوز از چنین فضای برخوردار نیست و تعداد گالری‌هایش از تعداد گالری‌هایی که فقط در مرکز شهر تهران فعالیت می‌کنند، کمتر است. حسین تحویلیان با تاکید بر لزوم وجود چنین فضاهای هنری شهری، گفت: «به نظرم مقاماتی که در قسمت گردشگری شهرداری حضور دارند می‌توانند روی یک سری گالری‌های شهری به ویژه در مراکز توریستی اصفهان، سرمایه‌گذاری کنند. توریست‌ها می‌توانند با مراجعه به این نمایشگاه‌ها آثار کوچک هنرمندان را خریداری کنند و با خودشان به شهر یا کشورشان ببرند». او ادامه داد: «ما همیشه فقط از انرژی هنرمندان صنایع دستی استفاده کرده‌ایم که تازه در این زمینه هم متأسفانه می‌بینیم اجناس چینی هم وارد بازار صنایع دستی مان شده‌اند. در حالی که باید این رویکرد را عوض و امکان مواجهه گردشگر با هنر جدید اصفهان را به وجود آورد. باید فضاهایی را در اختیار هنرمندان قرار دهیم؛ مثلاً در چهارباغ نمایشگاه‌های یک روزه داشته باشیم تا هنرمند بتواند یک روز از صبح تا شب کارش را به نمایش و فروش بگذارد. یا کارها خریداری می‌شوند و یا فقط فرهنگ‌سازی که آن هم ارزشمند است، صورت می‌گیرد. این‌ها می‌توانند کمک زیادی به توسعه هنری اصفهان کند».

### ماندانا مغزیان / تکنیک اثر: ترکیب مواد

ماندانا مغزیان از تکسچر سنتی پارچه یا لباس به عنوان متریال نقاشی‌هایش استفاده کرده است. پارچه از جمله عناصر قوی کارهای او است که حضورش به صورت کلاژ روی نقاشی قشنگ و خوب است، اما از آن حوادثی است که تکرارش یک مقدار به مجموعه کارها ضرر می‌رساند. یعنی او اگر همین تعداد را برای این مجموعه نگه دارد و البته خب برای هر هنرمندی مشکل است. که از چیزهایی که به دست آورده، عبور کند. او دو اثر با یک تکنیک در نمایشگاه ارائه داده؛ که در یکی از آنها ایده خیلی رک و پوست‌کنده مطرح شده، اما در دیگری با لایه‌های مختلف طرف هستیم و دومی قاعدتاً بهتر است؛ چرا که یک اثر خوب، بهتر است اجازه تفسیر به مخاطبش بدهد.

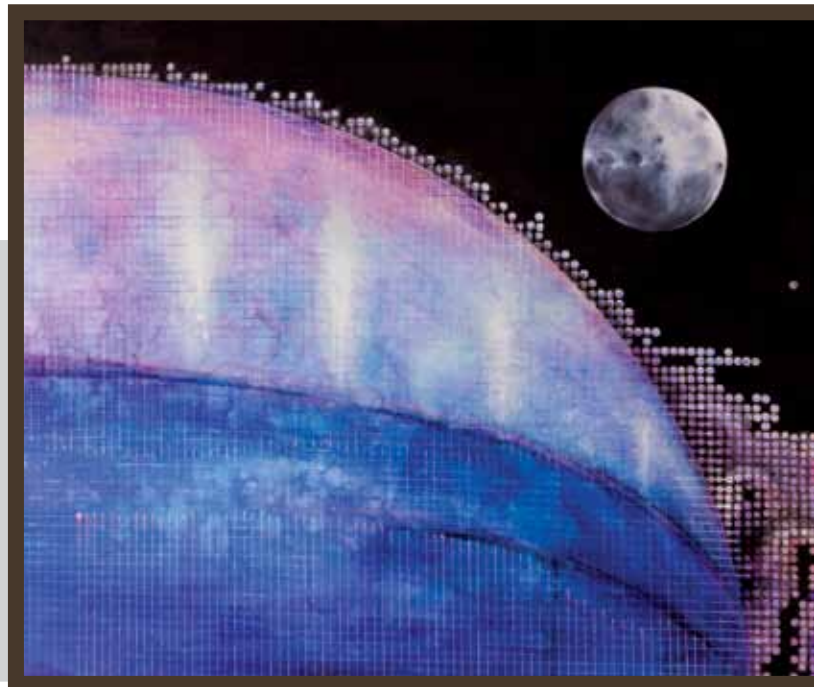
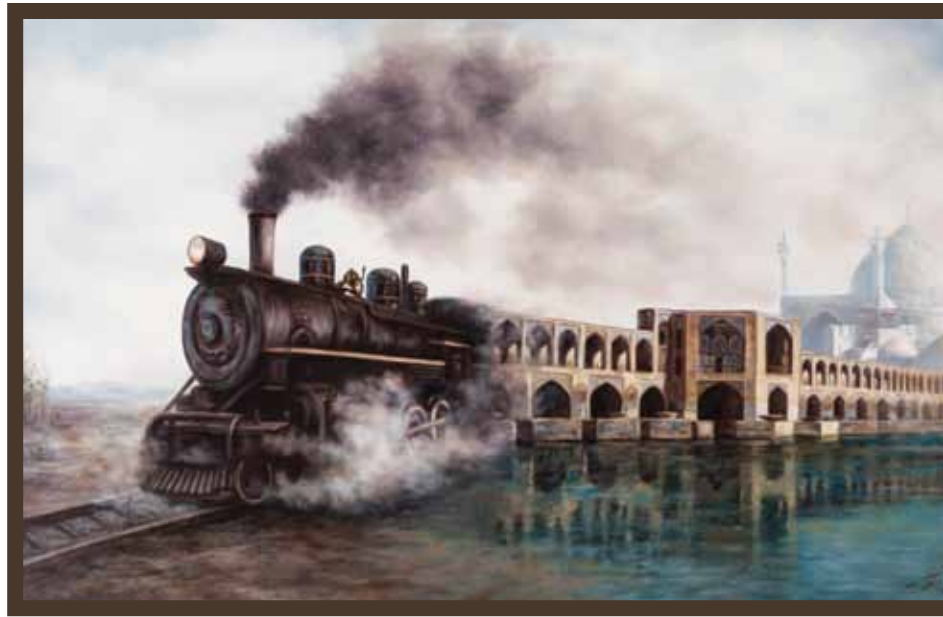


### مهناز راست قلم / تکنیک اثر: ترکیب مواد

ترکیب اجرای خام دستی و عناصر اصفهان در نقاشی مهناز راست قلم دیده می‌شود. او از فرهنگ نگارگری، کتاب آرایی و عناصر اصفهان برای خلق اثرش استفاده کرده. رنگ‌ها کهنه‌نما هستند و به عبارت راحت‌تر این کار، درست همان عملکرد کاشی سنتی ما را در معماری دارد.







### یحیی گمار / تکنیک اثر: اکریلیک

دو اثر از یحیی گمار در نمایشگاه سالانه ملی اصفهان از نگاه گردشگر، به نمایش گذاشته شدند که در هر دو، هنرمند با استفاده از عنصر «تکرار» که در فضای معماری و شهرسازی اصفهان بسیار به چشم می‌خورد، نگاهش به این شهر را بازگو کرده. قدمت اصفهان هم نکته دیگری است که نقاش با استفاده از رنگ‌ها سعی کرده به آن اشاره کند. او همچنین از عناصر دایره و مربع برای بیان یک نوع تکرار و سیر بهره برده که باز اشاره‌ای به معماری اصفهان دارد البته با نگاهی تازه. دو اثر او، از چند لایه و برش تشکیل شده‌اند که اشاره به بعد زمان و قدمت شهر هم دارند. از لحاظ ترکیب‌بندی، آثار او مدرن و خوب هستند. همچنین زمینه سفید اثر، که رنگ پاکی و روشنایی است، به نوعی به فرهنگ پذیرای اصفهان اشاره دارد و این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که اصفهانی‌ها ضمن این که پایبند به سنت‌ها هستند، یکی از پذیراترین فرهنگ‌های بومی ایران را هم دارند.

### کوروش اصلانی، نادر مذهب نیا

#### و جاوید طباطبایی / تکنیک اثر: آبرنگ

کوروش اصلانی، نادر مذهب نیا و جاوید طباطبایی آبرنگ‌کارهای قدر اصفهان هستند که هر سه، آثاری را در این نمایشگاه دارند. قوی‌ترین تکنیک آبرنگ، آبرنگ رهاست؛ یعنی این که نقاش بتواند بدون زحمت فرم را به مخاطب ارائه بدهد. به عبارتی نقاش ضمن این که فرم را ارائه می‌دهد نباید احساس شود قلمویش را خیلی با زحمت دست گرفته. با کمترین و ساده‌ترین خطوط و در سریع‌ترین زمان مفاهیم خلق می‌شوند و البته این به مهارت زیادی احتیاج دارد. در کارهای جدید آقای طباطبایی و آقای اصلانی این اتفاق مرتب می‌افتد. شاهد این هستیم که پختگی تکنیک آبرنگ هر سه این هنرمندان هر روز بیشتر می‌شود و مخصوصاً در مورد جاوید طباطبایی و کوروش اصلانی باید گفت اخیراً بیشتر بر منظر شهری متمرکز هستند.





## معرفی ۱۰ رستوران منحصر به فرد دنیا برای یک شام ساده از بالای آلپ تا قعر اقیانوس هند!

رستوران‌هایی در مالدیو، فنلاند، تایلند، آفریقا، سوئیس، هلند، ایتالیا، آمریکا، بلژیک و پاکستان

ناهار اعیانی در رستورانی که ۵۰ متر از سطح زمین فاصله داشته! به هر حال هر سفری در ذهن ما یک طعم مخصوص دارد که برای همیشه جاودانه‌اش می‌کند. گردشگر این هفته به سراغ ۱۰ رستوران منحصر به فرد رفته؛ رستوران‌های خاص باب طبع غذاوردان حرفه‌ای!

غذایی شک یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر سفر است. به سفرهایی که تا به حال رفته‌اید، فکر کنید. کدام‌ها بیشتر در ذهنتان مانده‌اند؟! شک تکنیک سفرهایی بوده‌اند که طی آنها حداقل یک تجربه غذایی خوشمزه داشته‌اید؛ چه یک ظرف باقالی در تبریز بوده باشد، چه یک

### ۱ رستورانی زیر دریا!

اقیانوس هند، یک رستوران با کلاس اعیانی را قورت داده است! باورتان نمی‌شود؟! رستوران «ایتها» در عمق ۱۶ تا ۳۰ پایی (۵ تا ۹ متری) زیر اقیانوس هند در محدوده جزیره رنگالی مالدیو ساخته شده. رستورانی تمام‌شیشه‌ای که سال ۲۰۰۵ با هزینه‌ای معادل ۵ میلیون دلار ساخته شد. منظره ۱۸۰ درجه‌ای این رستوران فرصت دیدن انواع ماهی‌ها از جمله کوسه و سفره ماهی را برایتان فراهم می‌کند و این در حالی است که می‌توانید خاویار و خرچنگ و انواع غذاهای اروپایی-آسیایی دریایی یا غیردریایی را سفارش بدهید. نکته مهم این است که عمر این رستوران ۲۰ سال تخمین زده شده، بنابراین فقط تا سال ۲۰۲۵ فرصت دارید از این رستوران دیدن کنید!



### ۳ یک ناهار تارزانی!

خودتان را برای یک غذاگردی ماجراجویانه با پای برهنه اما شیک در رستوران که کود تایلند آماده کنید. جایی آن بالای درخت که هر چه دور و برتان را نگاه می‌کنید، جنگل است و آب‌های فیروزه‌ای شفاف دریا. این منطقه آب آشامیدنی‌اش را خودش تصفیه و آماده می‌کند و از بطری‌های پلاستیکی هم استفاده نمی‌کند. به عبارتی، با این کار، در پروژه جهانی آب سهیم است و تا به حال ۶۰۰ هزار دلار ذخیره کرده؛ یعنی به حدود ۶۰۰ هزار نفر در ۵۲ کشور کمک کرده است.



### ۲ رستورانی در قلب قلعه یخی!

فکرش را هم نکنید! در رستوران قلعه یخی لومیلینای فنلاند نمی‌توانید قبل از نشستن سر میز، پالتویتان را در بیاورید و خیلی شیک و باکلاس روی صندلی بنشینید. اگر چه معمولاً همه غذاهای منو گرم هستند، ولی دمای اغلب منفی ۵ درجه فضای رستوران این اجازه را به شما نمی‌دهد که بدون کت و پالتو غذا بخورید. رستوران «کمی» در فنلاند معمولاً فقط از ژانویه تا آوریل (دی تا اردیبهشت) هر سال، یعنی موقعی که دما در حدود منفی ۸ درجه در نوسان است، پذیرای رستوران‌گردهای ماجراجوست. این رستوران هر سال با دکوراسیون جدیدی میزبان مشتریان می‌شود.







## ۴ یک شام سالم در باغ - رستوران هلندی

سال ۲۰۰۱، گرت جان هاگمن (یکی از سرآشپزهای صاحب‌نامی که نشان میشلون را دارد) این سازه شیشه‌ای را در مزرعه‌ای در آمستردام هلند ساخت. ایده‌اش خیلی ساده و البته هیجان‌انگیز بود؛ رستوران از مزرعه - به میز! ماجرا این است که همه غذاهای رستوران دی کاس (به معنای گلخانه) از محصولات تر و تازه باغ بیرونش تهیه می‌شود و خوب در دنیای صنعتی امروز این یک تجربه هیجان‌انگیز محسوب می‌شود!

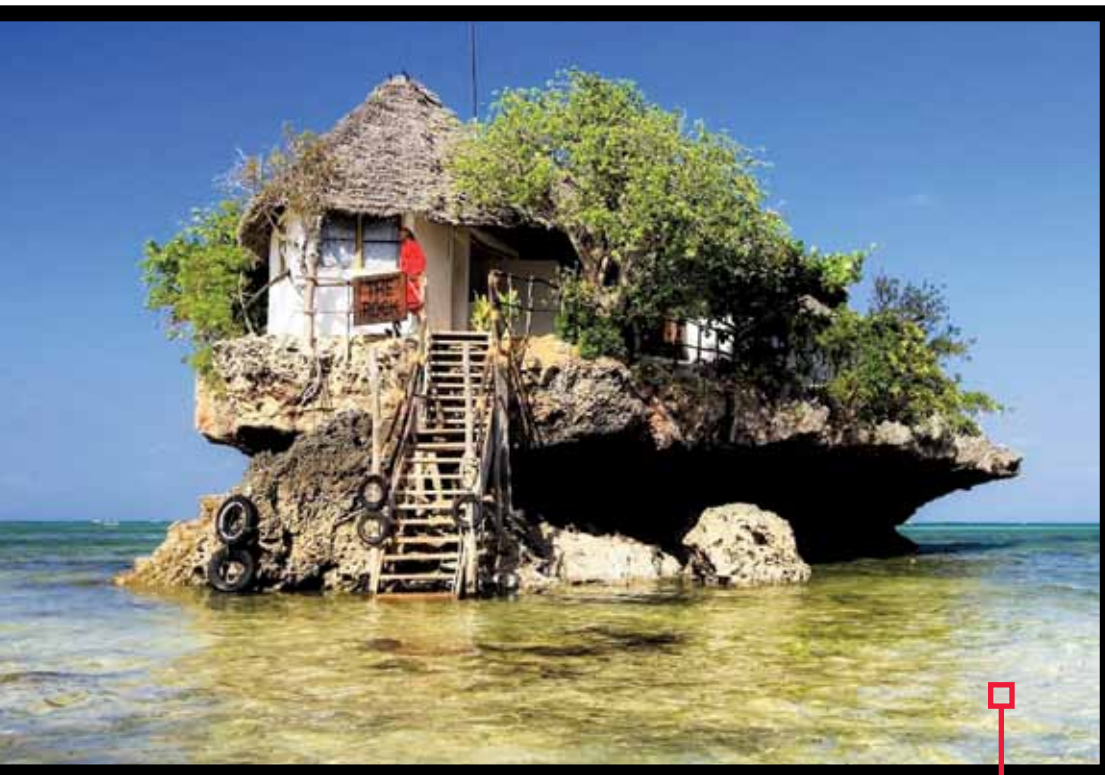






## ۵ هواپیما - رستوران

هواپیمایی که حوالی سال‌های ۱۹۵۰ برای سوخت‌رسانی به هواپیماهای دیگر به پرواز درمی‌آمد، حالا به رستورانی در کلرادوی آمریکا تبدیل شده. این بوئینگ تانکر KC-۹۷ حالا رستوران مجهزی است که توانایی میزبانی از ۴۲ نفر را دارد.



## ۶ رستوران سرگردنه!

فقط از تفاع آلپ نیست که نفس‌تان را بند می‌آورد؛ رستوران بیلاقی اِشِرِواسِن هم این کار را به نحو احسن انجام خواهد داد! از تجربه هیجان‌انگیز تله‌کابین سواری در آلپ، به رستورانی می‌رسید که حتی اگر بار تفاع مشکل دارید، ارزش یک بار شجاعت به خرج دادن و تجربه کردن را دارد!

## ۷ رستوران صخره‌ای روی آب!

تصور کنید شما ماهیگیری هستید در زنگبار آفریقا که هر روز یک صخره تک افتاده در اقیانوس را می‌بینید. چند درصد امکان دارد بخواهید یک رستوران روی این صخره بسازید؟! چند درصد امکان دارد رستوران‌تان به یکی از مشهورترین رستوران‌های مورد علاقه طرفداران غذاهای دریایی تبدیل شود؟! این اتفاق افتاده و حالا رستوران صخره‌ای در ساحل میچائوی پینگوینی طرفداران زیادی پیدا کرده. به همین خاطر در فصل پررونقش برای تان قایق‌هایی تدارک می‌بینند که مجبور نباشید پای پیاده از ساحل جزیره تا صخره بروید.



## ۸ رستورانی آویزان از جرقیل!

قصه ندارد دوستانتان را به یک شام دعوت کنید؟! یک شام معمولی که نه، یک جشن مثلاً که قرار است در ارتفاع ۱۶۰ پایی (حدود ۴۹ متری) از زمین برگزارش کنید. اگر قصد انجام چنین کاری را دارید، به رستوران معلق موفق بلژیکی که توسط شرکت «دینراین‌داسکای» راه‌اندازی شده، بروید. این رستوران البته مکان ثابتی ندارد و از سال ۲۰۰۶ تا به حال در ۵۲ کشور جهان (از بریتانیا و فرانسه بگیرد تا امارات) میزبان حدود ۵ هزار رویداد شامل شام در آسمان بوده است.



## ۹ رستورانی با منظره یک شهر

اگر گذارتان به اسلام‌آباد پاکستان افتاد، یک ناهار در رستوران مُنال بخورید. این رستوران بر بلندای تپه‌های مارگالا که شهر را احاطه کرده‌اند، ساخته شده. از پایین تا بالای دامنه را کوه‌پیمایی کنید و بعد در رستوران وقتی دارید طعم غذاهای محلی یا خارجی (مخصوصاً ایتالیایی) را می‌چشید، از منظره اسلام‌آباد لذت ببرید.



## ۱۰ یک شام اشرافی در غار - رستوران ایتالیایی

ایتالیایی‌های خوش‌خوراک از غار آهکی هم نگذشتند! رستوران «گروتا پلازس» در غار آهکی پوگلیا در جنوب ایتالیا، فقط ۶ ماه در سال از می تا اکتبر (اردیبهشت تا مهر ماه) باز و میزبان شام‌های اشرافی در فضای باز است که از قرن ۱۸ تا به حال به عنوان رسم ایتالیایی‌های پولدار محسوب می‌شود.







سفر به آبشار پونه زار فریدون شهر

# موتورسواری تا آبشار

دریاچه نئور، کهنه ده بیلاق برزیل، چشمه باتمان بولاق، گنج خانه، سرچشمه فئات سلسال و سوباتان

کس حیدر صاحب‌کار

در شیب نسبتاً ملایم داشته باشید تا به سرچشمه‌های آبشار برسید. این چشمه‌ها به سمت پایین دره سرازیر شده‌اند و آبشار پونه‌زار درست همین جا متولد می‌شود.

آبشار پونه زار فریدونشهر به ارتفاع تقریبی ۷۵ متر، یکی از زیباترین آبشارهای ایران است و در دامنه کوه واقع شده؛ جایی که پر از گیاهان وحشی و دارویی است. چشمه‌های پر آب این منطقه به سمت غرب سرازیر شده و در نهایت، سرچشمه‌های رود دز را تشکیل می‌دهند. «چشمه لنگان» در این منطقه از آبدهی بالایی برخوردار است و از آن، جهت تامین آب شرب مردم فریدونشهر استفاده می‌شود. «چشمه لپه» حدود دو کیلومتر با چشمه لنگان فاصله دارد و خروج آب از این چشمه به طور متواتر است، به طوری که مدت حدود یک ربع آب از زمین خارج شده و سپس جریان خروج آب قطع می‌شود. آبشارهای این منطقه بیشتر بین شهرستان‌های داران و فریدونشهر واقع شده‌اند که مهم‌ترینشان پونه‌زار است.

هیات اتومبیلرانی و موتورسواری استان اصفهان پنجشنبه ۲۱ خردادماه، تور موتورسواری تا آبشار پونه‌زار را برگزار کردند. آبشار پونه زار فریدونشهر، در فاصله ۱۷۰ کیلومتری شهر کرد و ۱۵۵ کیلومتری شهر اصفهان قرار دارد. برای رسیدن به این جاذبه طبیعی، باید از مسیر شهر کرد، جاده «شیخ شبان»، روستای «کمیشک»، «سنیگرد»، «اسکندری» و «خویگان» به شهر «داران» برسید و از آن جا به طرف فریدون شهر حرکت کنید. در مسیر روستاهای «برف انبار»، «خمسلو»، «خویگان»، «صادقیه»، «ببجگرد»، «پادجان» را می‌بینید. پس از عبور از فریدون شهر به یک سه راهی می‌رسید که سمت راست آن به طرف پونه زار و مسیر چشمه لنگان می‌رود؛ یعنی اگر جاده را مستقیم ادامه دهید به «چشمه لنگان» می‌رسید، ولی اگر مسیر را به سمت روستای «چغیورت» تغییر دهید، از روستای چغیورت تا آبشار ۱۳ کیلومتر راه پیش رو دارید. در کنار جاده، تابلو آبشار را می‌بینید و محلی برای پارک وسایل نقلیه هم در نظر گرفته شده. از این جا باید حدود ۳ کیلومتر پیاده روی







### ترکیه اولین مقصد گردشگری خارجی ایرانیان است

**خبرگزاری میراث فرهنگی:** مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی اعلام کرد: «ترکیه، عراق و عربستان به ترتیب اصلی‌ترین مقاصد گردشگری ایرانیان را تشکیل می‌دهند و ایرانی‌ها بیشترین هزینه را در خارج از کشور صرف تورهای گردشگری می‌کنند». در این گزارش با عنوان «نمایه آماری گردشگری» به تحلیل آماری سفرهای ایرانیان با استفاده از گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران، سازمان جهانی گردشگری و شورای جهانی سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، گزارش‌های مرکز آمار ایران در سال‌های ۸۷ تا ۹۲، در سال ۲۰۱۳ سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور برابر با ۶٫۱ درصد بوده است. جالب توجه اینکه ۸۱٫۵ درصد از این سهم، متعلق به مخارج گردشگری داخلی است. علاوه بر آن، گردشگری توانست در مجموع یک میلیون و ۸۸۴ هزار شغل به وجود آورد. بنابر پیش‌بینی شورای جهانی سفر و گردشگری، براساس شاخص رشد گردشگری در تولید ناخالص داخلی، ایران در سال ۲۰۱۴ با رشد ۱۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۳ در جایگاه چهارم دنیا قرار خواهد گرفت. همچنین در حوزه گردشگری برون مرزی این گزارش کشورهای

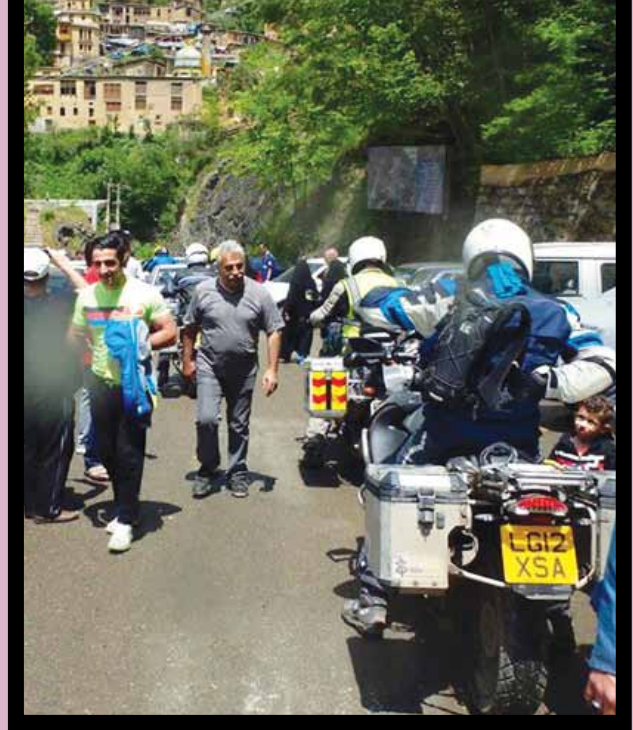
ترکیه، عراق و عربستان به ترتیب برترین مقاصد گردشگری ایرانیان را تشکیل می‌دهند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، مسافران ایرانی در مجموع در تابستان ۹۲ بیش از ۱۰ میلیون ریال در خارج از کشور صرف کرده‌اند که بیشترین این هزینه‌ها به ترتیب متعلق به تور و گشت، حمل و نقل و خرید سوغاتی بوده است. اما در حوزه گردشگری ورودی، در سال ۲۰۱۲ تعداد گردشگران ورودی سه میلیون و ۸۳۴ هزار نفر و درآمد حاصل از جذب این گردشگران یک میلیارد و ۱۱۴ میلیون دلار آمریکا بوده است. در سال ۲۰۱۳ مهم‌ترین مبادی گردشگری به ترتیب کشورهای عراق، آذربایجان، افغانستان و ترکیه بود. طبق این گزارش، بالاترین سهم از ورودی‌ها به مناطق خاورمیانه و اروپا تعلق دارد. مخارج گردشگری خروجی بالغ بر ۷ میلیارد و ۵۱۷ میلیون دلار بوده است. با توجه به بیشتر بودن هزینه کرد گردشگران خروجی، تراز گردشگری ایران منفی و بالغ بر ۶ میلیارد و ۴۰۳ میلیون دلار است. مرکز پژوهش‌های مجلس در حوزه گردشگری داخلی در ادامه می‌نویسد: بررسی مرکز آمار نشان می‌دهد که گردشگران داخلی برای سفر با تور تمایل کمی دارند و تمرکز بیشتر سفر در فصول خاصی از سال و نیز اقامت‌های مرتبط با دوستان و آشنایان و یا اقامت در اقامتگاه‌های دستگاه‌های اجرایی است که نقش مجلس در تدوین یا نظارت بر اجرای قوانین را پررنگ می‌کند.

### جشنواره فیلم‌های گردشگری برگزار می‌شود

**مهر:** معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری مناطق آزاد از ایجاد خانه سعدی و برچیدن بیغوله‌های کارگری در کیش خبر داد و گفت: خاک هرگز چند برابر قیمت به کشورهای اروپایی برای استفاده در صنایع آرایشی فروخته می‌شود. حجت‌الاسلام محمدعلی زم، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری شورای عالی مناطق آزاد با اشاره به اینکه بودجه‌های فرهنگی در کشور بسیار پراکنده و غیر اقتصادی هزینه می‌شود، بنابراین باید با ابتکار و خلاقیت و با تعامل با بخش خصوصی و همکاری‌های مردمی نسبت به اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری کار را انجام داد، گفت: بودجه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، باید در جهت ثروت‌زایی فرهنگی هزینه و سرمایه‌گذاری شود تا دو عنصر سلامت و سعادت، مولود آن شود. ما در حالی می‌خواهیم جشنواره فیلم‌های گردشگری را با کمترین امکانات با تکیه بر مشارکت برگزار کنیم که متوجه شدیم در دولت دهم (در سال ۹۰) جشنواره سینمایی با هزینه سه میلیارد تومانی در جزیره کیش برگزار شده است و هیچ رد پایی از خود در جهت ثروت‌زایی فرهنگی و خلق آثار هنری به جای نگذاشته است. او افزود: این جشنواره با هدف برانگیختن انگیزه هنرمندان و عکاسان طبیعت‌گرا و سیاحت دوست و به نیت افزایش تولیدات هنری در حوزه گردشگری و با هدف ساخت چندین مستند درباره جاذبه‌های گردشگری ایران برگزار خواهد شد. اگر سیاحت و گردشگری و گردشگری حلال یکی از ابزارهای سلامت‌زا و سعادت‌آفرین باشد، می‌بایست برای چنین گردشگری پی‌در پی ادبیات تولید کرد و فیلم و عکس و مستند خلق کرد. زم تأکید کرد: قصدمان این است که این مستندها به جشنواره‌ها و شبکه‌های خارجی راه پیدا کند و مناطق گردشگری ایران که واجد فرصت‌های بی‌شمار و زیبای الهی است همچون کوه‌های مریخی، تخم‌گذاری لاک‌پشت‌ها، قلعه پرتغالی‌ها، دریای متصل به اقیانوس و صدها کیلومتر ساحل زیبای چابهار را در کنار دیگر آثار طبیعی و تاریخی ایران با تکیه به گردشگری حلال، بازنمایی و معرفی کنیم که متأسفانه در دنیای امروز، این بخش ایران در بین مردم، گردشگران و حتی جغرافی دان‌های دنیا هم ناشناخته مانده است.







### تور موتورسواری از کافه ای در بریتانیا تا ایران

دیوانه‌کننده بود، اما جاده‌های خارج شهر و کوهستانی مخصوصا در اطراف تهران، عالی بودند و البته قیمت بنزین که هر لیتر سوخت تنها ۲۰ پنی می‌شود» به گزارش ایسنا، گرفتن ویزای ایران مهم‌ترین دغدغه این گروه موتورسوار پیش از آغاز سفر بود. آنها بارها این نکته را یادآور شده بودند که سفر به ایران با توجه به نبود کنسولگری این کشور به گرفتن ویزا بستگی دارد. راهنمای گروه موتورسواران ACE وقتی ویزا را از طریق کنسولگری ایران در استانبول هشت ساعت می‌گیرد، در همان صفحه اجتماعی این گروه موتورسوار می‌نویسد: «فکر می‌کنم ایران ما را شگفت‌زده خواهد کرد.» آنها پیش از سفر نکته‌ای را درباره هشدار وزارت امور خارجه انگلیس به اتباعش برای سفر به ایران نیز منتشر کرده بودند که در مقابل آن نوشته‌اند: «گزارش‌های راهنمایان محلی نشان می‌دهد در مرزهای ایران با عراق، افغانستان و پاکستان هیچ مشکلی وجود ندارد.» این گروه همچنین گذر از مرز ترکیه ایران را بدون هیچ مانعی اعلام می‌کند، اما در عین حال به این نکته هم اشاره دارد که اتباع انگلیسی، آمریکایی و کانادایی هنگام ورود به ایران انگشت‌نگاری می‌شوند و آن را دلیلی برای تأخیر در عبور از مرز دانسته است. این موتورسواران با ملیت‌های انگلیسی، آفریقایی، روس، استرالیایی و آلمانی هنگام ورود به خاک ایران احساسات‌شان را این‌طور بیان کردند: «تجربه کردن در ایران را در مقابل آنچه رسانه‌ها از این کشور به تصویر کشیده‌اند، واقعا دوست داریم. این حس ماجراجویی فقط به موتورسواری در ایران محدود نمی‌شود؛ چرا که می‌خواهیم ذهنی باز در مواجهه با هویت مردم و محل زندگی آنها داشته باشیم.» این گروه موتورسوار که قرار است در سفری اکتشافی از لندن تا چین، ۱۲ هزار مایل (۱۹ هزار و ۳۱۲ کیلومتر) را ۸۰ روزه طی کنند، تاکنون از کشورهای انگلیس، فرانسه، بلژیک، آلمان، اتریش، اسلونی، کرواسی، مونته‌نگرو، آلبانی، یونان، ترکیه، ایران، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان گذر کرده‌اند و قرار است تا حدود یک ماه دیگر سفرشان را در شهر پکن چین به پایان برسانند. آنها سفرشان را از لندن و کافه‌ای معروف به نام "ACE" که پاتوق این موتورسواران است آغاز کرده‌اند و قرار است شعبه دیگری از این کافه را در پکن راه‌اندازی کنند. در این سفر اکتشافی طولانی علاوه بر چالشی که برای طی کردن این مسیر وجود دارد، قرار است چهار برند موتورسیکلت مرسدس، یاماها، بی.ام.دبلیو و Triumph به رقابت با یکدیگر بپردازند و در ادامه سفر هم موتورسواران در کمپ اصلی "اورست" در ارتفاع ۵۳۰۰ متری توقف کنند...

گردشگر آنلاین: آنها هنوز به چین نرسیده‌اند، اما از میان همه کشورهای که از لندن تا پکن در حال پیمودن‌شان هستند، ایران را افسانه‌ای و شگفت‌آور دانسته‌اند و می‌خواهند دوباره برگردند. این احساس ۱۵ موتورسوار اروپایی درباره کشوری است که پیش از آغاز سفر اکتشافی‌شان در مسیر ابریشم، آن را از نظر سیاسی چالشی‌ترین بخش سفرشان می‌دانستند، اما در پایان سفر اذعان داشتند که «سفر به ایران یکی از تجربه‌های بسیار مثبت بود و ما برمی‌گردیم.» «کوین سندرز» راهنمای این اکسپدیشن است که تا کنون دو رکورد در کتاب گینس به خاطر سفر دور زمین با موتورسیکلت در ۱۹ و نیم روز و طی کردن طول قاره آمریکا از آلاسکا تا آرژانتین در ۳۵ روز ثبت کرده است. او درباره آن بخش از این سفر اکتشافی که به مدت ۸ روز در ایران و مسیرهای تبریز، بندر انزلی، ماسوله، رامسر، تهران، گرگان و بجنورد انجام شد، متن و تصویری را در اینترنت منتشر کرده و خبر برگزاری دوباره این اکسپدیشن را در سال ۲۰۱۷ داده و هواداران موتورسواری را برای همراهی در این ماجراجویی دعوت کرده است. سندرز در این متن نوشته است: «در هیچ جایی از ایران محدودیتی نداشتیم. در ایست بازرسی‌های پلیس توقیفی نداشتیم، اصلا. فقط لیخند و استقبال بود. مردم مایل بودند با ما به زبان انگلیسی صحبت کنند. البته رانندگی در جاده‌های شهری



اقتصادی منجر شده، می‌تواند برای ما الیهام‌بخش باشد». یارمحمدیان همچنین گفت: «دولت تدبیر و امید توجه ویژه‌ای به صنعت گردشگری دارد و به دنبال تعامل سازنده با دیپاسست، بنابراین شاهد هستیم که با تغییر دیدگاه و گفت‌وگو و ادبیات دولتمردانمان طی سال‌های گذشته، گردشگران فوج فوج به ایران می‌آیند». محسن یارمحمدیان با تأکید بر تاریخچه مشترک دو کشور ایران و ترکیه، اظهار امیدواری کرد که گردشگران بیشتر از ترکیه به ایران بیایند و شاهد توسعه گردشگری در کشورمان باشیم. در این مراسم مصطفوی، معاون اداره فرودگاه‌های استان اصفهان، آدم جیلان مدیرکل شرکت هواپیمایی ترکیه در خاورمیانه و مسعودی نایب رئیس اتحادیه آژانس‌های هواپیمایی استان اصفهان به سخنرانی پرداختند. سپس نوبت به تقدیر از آژانس‌های هواپیمایی رسید.

### آژانس هواپیمایی ترکیه دومین سال حضورش را در اصفهان جشن گرفت

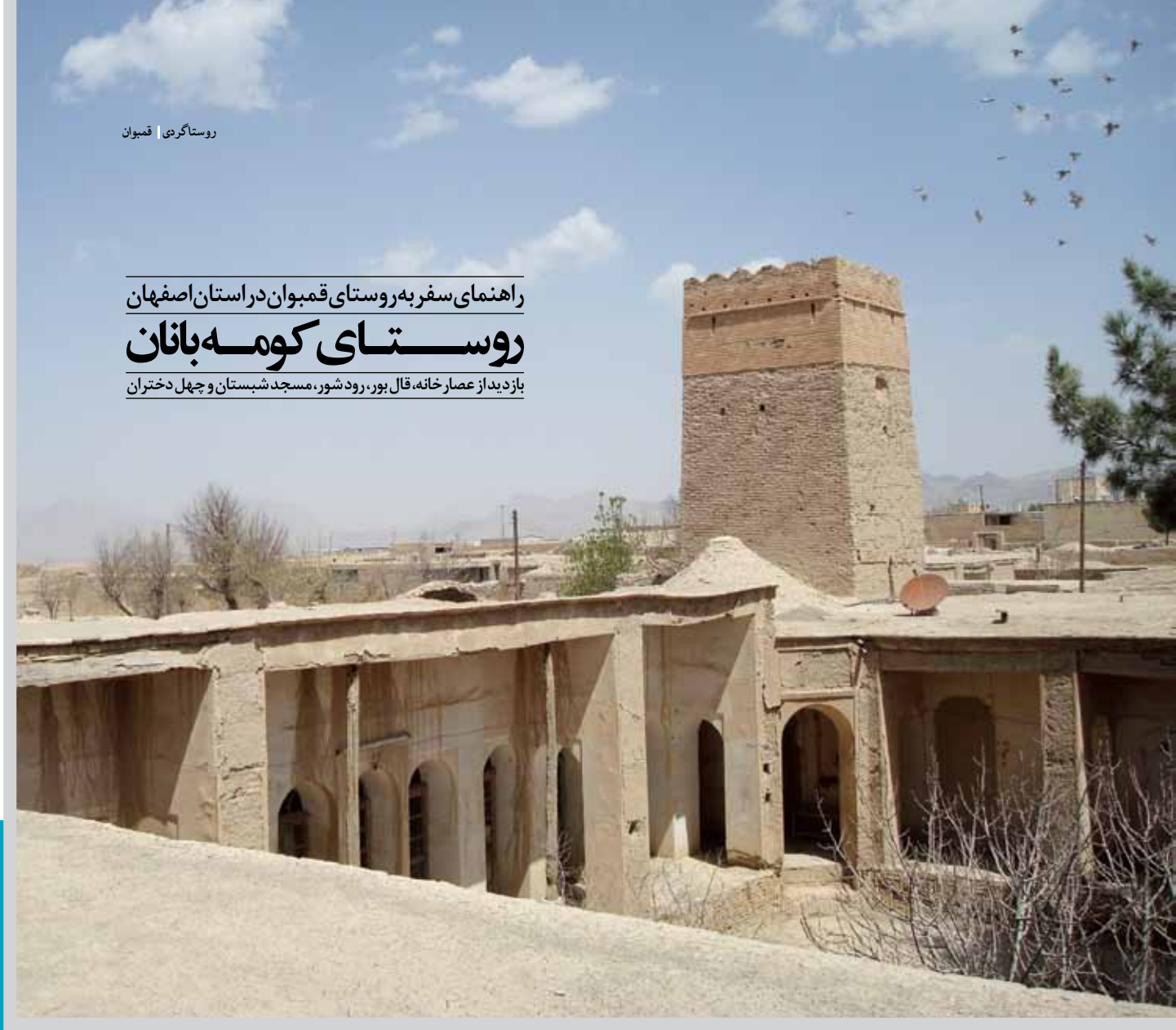
مجله گردشگر: مراسم گرامیداشت دومین سال حضور هواپیمایی ترکیه در اصفهان و تقدیر از آژانس‌های هواپیمایی استان هفتم خرداد ماه، با حضور مسوولان منطقه‌ای ترکیش ایرلاینز، مسوولان و دست‌اندرکاران صنعت گردشگری و صنعت هواپیمایی استان و مدیران آژانس‌های مسافرتی در تالار هتل عباسی برگزار شد. زکریا کوروچام، مدیرکل دفتر هواپیمایی ترکیه، به عنوان اولین سخنران مراسم سالگرد از آژانس‌های هواپیمایی اصفهان، کاشان، شهرکرد، شاهین‌شهر، خمینی‌شهر و شهرضا به عنوان معماران موفقیت شرکت هواپیمایی ترکیه در اصفهان یاد کرد. به گفته کوروچام، پروازهای مستقیم این شرکت هواپیمایی بین دو شهر استانبول و اصفهان از ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ به صورت دو پرواز هفتگی راه‌اندازی شدند. دو سال بعد این تعداد به ۴ پرواز در هفته افزایش یافت و از ۱۲ اردیبهشت امسال هواپیمایی ترکیه ۵ روز در هفته پرواز مستقیم بین اصفهان و استانبول دارد. او افزود: «ما برنامه‌ریزی کرده‌ایم که در سال ۲۰۱۵ تعداد مسافران را به بیشتر از ۶۰ هزار نفر برسانیم. برای رسیدن به این هدف، درخواست پروازهای روزانه را به سازمان هواپیمایی کشور داده‌ایم و امیدواریم در تابستان امسال این درخواست با موافقت رو به رو شود و بتوانیم تعداد پروازهای مستقیم اصفهان-استانبول را به ۷ پرواز در هفته افزایش دهیم». محسن یارمحمدیان، به عنوان دومین سخنران مراسم، به نقش بخش خصوصی در رونق گردشگری کشور اشاره کرد و گفت: «کشور ترکیه امروز جزو قدرتهای نوظهوری است که با کمک بخش خصوصی توانسته سهم فوق‌العاده‌ای را در بازارهای جهانی به خودش اختصاص دهد. ما هم باید تلاش کنیم سهممان را در این بازارها پیدا کنیم. فعالیت بخش خصوصی و حمایت دولت ترکیه که به این موفقیت



## راهنمای سفر به روستای قمبوان در استان اصفهان

# روستای کومه بانان

بازدید از عمار خانه، قال بور، رود شور، مسجد شبستان و چهل دختران



متن و عکس غلامرضا خلیل الهی  
دبیر جغرافیای شهرستان دهاقان و  
روستاهای اطراف  
تنظیم متن گردشگر

دهاقان، روستایی با کوچه‌های کم و بیش باریک و بن بست. به نظر می‌رسد اولین اقوامی که به قصد شکار یا دامپروری به محل این روستا آمده‌اند، ابتدا کلبه‌هایی از نی و علف و چوب ساخته‌اند که به این کلبه‌ها «کومه» می‌گفتند و از آن پس به این روستا «کمبون» گفته شد که برگرفته از همان کومه است.

روستاگردی به خصوص، برای گردشگران علاقه‌مند به مردم‌شناسی، فرصت مغتنمی است برای شناخت فرهنگ، زیست و اقلیم‌های گوناگون. یکی از روستاهایی که در نزدیکی اصفهان واقع شده و هنوز تا حدودی بافت قدیمی‌اش را حفظ کرده، روستای «قمبوان» است. جایی در جنوب غربی اصفهان، در شهرستان

### از قال بور تا رودخانه شور

پیش‌کوه‌های زاگرس به صورت دو رشته موازی از غرب و شرق روستا عبور کرده‌اند که البته رشته غربی فاصله بیشتری از روستا دارد ارتفاعات شاه عبد الله می‌توان گفت از جمله بلندترین آنهاست که در سمت شرق روستا واقع شده است. یکی از کوه‌هایی که خیلی به روستا نزدیک و تپه مانند است؛ تپه قراول (دیده بان) نام دارد که مردم به زبان عامیانه آن را «قال بور» می‌گویند. از روی این تپه چشم انداز زیبایی از روستا و صحراهای اطراف آن به چشم می‌خورد. این تپه نیز در سمت شمال شرق روستا قرار دارد. «رودخانه شور» مهم‌ترین رود شهرستان دهاقان با سمت جنوبی شمالی از غرب روستای قمبوان عبور می‌کند این رودخانه فصلی مهم‌ترین عامل پیدایش سکونتگاه‌های روستایی در این منطقه بوده است. قمبوان هم اکنون جمعیتی حدود ۱۹۰۰ نفر دارد که البته در گذشته جمعیت آن خیلی بیشتر بوده، ولی در این روستا هم مانند بسیاری دیگر از روستاها میزان مهاجرت بالاست. از لحاظ تقسیمات سیاسی روستای قمبوان به همراه

### از کومه بانان تا قمبوان

روستای قمبوان (که زمانی کومه بان، کومه بانان، کُمبوان و قمبوان هم نامیده می‌شد) در جنوب غربی استان اصفهان و در شهرستان دهاقان واقع شده است. این روستا در مسیر شهرضا-مبار که قرار دارد و می‌توان گفت در حدود ۲۷ کیلومتری شمال غربی شهرضا و ۳۰ کیلومتری جنوب مبارک است. روستای قمبوان تا مرکز شهرستان دهاقان، حدود ۲۰ کیلومتر فاصله دارد. از لحاظ شکل، روستای قمبوان جزو روستاهای متمرکز است. بافت قدیمی نشان می‌دهد کوچه‌های کم و بیش باریک که اکثراً بن بست بوده‌اند، راه را برای هجوم دزدان و غارتگران از سمت صحراها و بیرون روستا مسدود کرده‌اند و ارتباط با بیرون روستا فقط از طریق چند دروازه بوده است. و می‌توان گفت روستا از این لحاظ یک قلعه بزرگ محسوب می‌شده. از طریق برج‌های داخل روستا کار دیده‌بانی نیز انجام می‌شده. بعد از اجرای طرح هادی در روستا، قسمتی از بافت قدیم تخریب شد و دو خیابان با جهت‌های شمالی جنوبی و غربی شرقی در روستا کشیده شد.



جامع «قمبوان» که بنای آن مربوط به دوره صفوی است. مسجد شبستان که مربوط به دوره قاجار است و دارای ۱۵ ستون و یک بنای آجری زیباست. مجموعه عصارخانه (محل روغن گیری) خانه خان، امامزاده سید محمد باقر (چهل دختران)، پنج برجی‌ها آسیاب‌های قدیمی و برج‌های کبوتر که به صورت منفرد در گوشه و کنار روستا دیده می‌شوند.

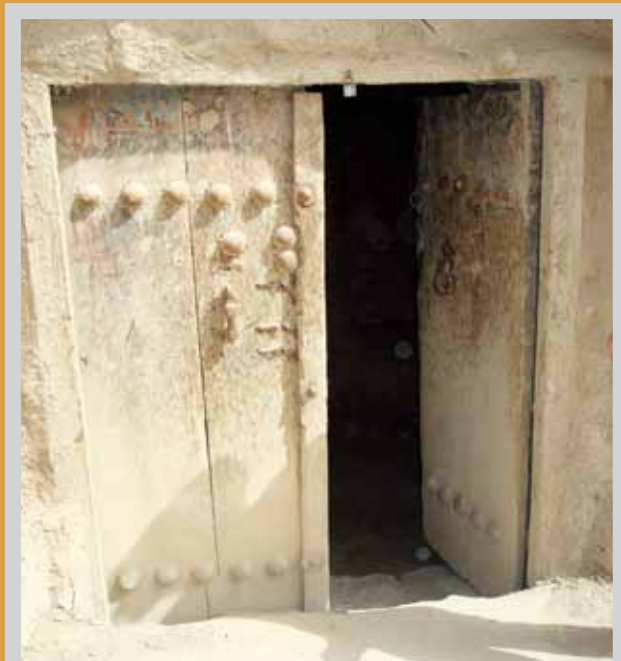
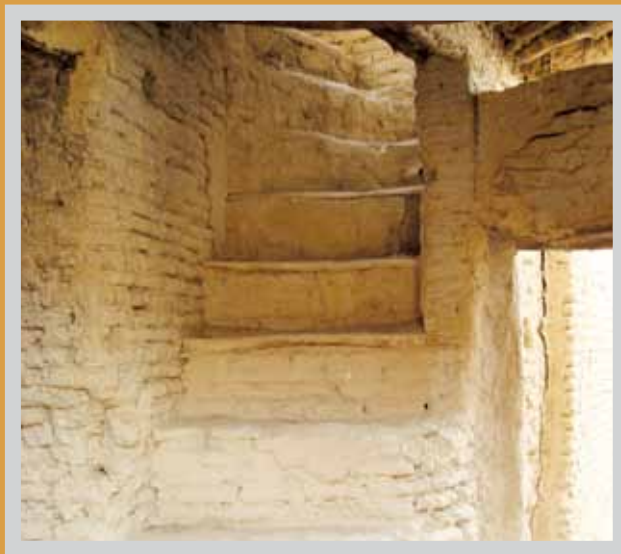
### چهره‌های قمبوان

مرحوم آیت الله اسماعیل هاشمی (عضو مجلس خبرگان) از چهره‌های نامداری بوده که چندین سال در قمبوان زندگی کرده است و اکنون کتابخانه بزرگی به نام ایشان در این روستا وجود دارد. حاج میرزا حسین از روحانیون بزرگ حوزه علمیه اصفهان در دوره قاجار که از طرف حاج آقا نجفی برای ارشاد و راهنمایی مردم منطقه به قمبوان مهاجرت کردند. حاج میرزا حسین در اواخر عمر به نجف اشرف مهاجرت کرده و در همان شهر در گذشت، اما فرزند بزرگوار ایشان حاج میرزا حسن در قمبوان سال‌ها مایه خیر و برکت روستا بودند و در سال ۱۳۱۷ ش فوت کردند. روستای قمبوان از روستاهایی بوده که در گذشته بیشتر نیازهای خود را تامین می‌کرده است به طوری که انواع مشاغل و خدمات شامل آهنگری، نجاری، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، رنگ‌ریزی، عساری (روغن گیری)، آسیاب‌های آبی، تخت‌کشی و کفافی، طبابت باداروهای گیاهی، مکتب، سنگ تراشی، در کنار کشاورزی و دامپروری و باغداری وجود داشته است و می‌توان گفت روستا با حداکثر توان و ظرفیت خود در حال کار بوده است. این روستا در دوره گذشت (قبل از انقلاب) دارای درمانگاه، پاسگاه ژاندار مری، مدرسه بوده است و از روستاهای همجوار برای خدمات مختلف به این روستا می‌آمدند.

روستا‌های پوده، قهه، علی آباد و جمبزه تشکیل دهستان قمبوان را داده‌اند که مرکزیت آن همین روستای قمبوان است. مردم روستای قمبوان همه فارس هستند.

### از قمبوان دست خالی برنگردید!

هر منطقه سوغات منحصر به فرد خودش دارد. در قمبوان هم می‌توانید «سوهان محلی» بخرید؛ آرد جوانه گندم، شکر و روغن حیوانی را با هم ترکیب کرده و سوهانی می‌پزند که مانند سمنو، مایع است. در ماه رمضان هم برای افطار و سحر، این شیرینی مقوی را می‌خورند. قمبوان یکی از مراکز مهم گیاهان دارویی منطقه محسوب می‌شود. گل بومادران، گل حسرت، بوته تریاکی، پونه کوهی، پونه جویی، چز، بادرنجونه، خواجه روجه، آلو شنگ، کله سیر، تاجریزی، هور، موسیر، شاهتره، گل ختمی، گل‌عروبه، مرگیاه و مرزنجوش. اگر به دیدن ابنیه تاریخی علاقه مند هستید، در روستای قمبوان می‌توانید مسجد جامع (مسجد آبی) مربوط به دوره صفویه را ببینید. قدیمی‌ترین تاریخی که بر روی دیوار آن نوشته شده مربوط به سال ۱۰۰۶ است. کتیبه‌ای در محراب آن وجود دارد که هنوز خوانده نشده است. همچنین یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی قمبوان را می‌توان «مسجد شبستان» دانست که حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد. «کاروانسرای قدیمی قمبوان» را نیز می‌توان جزو آثار تاریخی منطقه به حساب آورد. از آثار اسطوره‌ای این روستا می‌توان به «چهل دختران» مکانی در جوار گورستان قمبوان که به گفته اهالی روستا چهل دختر در آن ناپدید شده‌اند، اشاره کرد. روستای قمبوان از روستاهای بسیار قدیمی شهرستان دهاقان است. و آثار کم و بیش جالبی دارد که متأسفانه خیلی فرسوده شده‌اند و بعضی از آنها تخریب شده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به «مسجد





## راهنمای سفر به روستای ورکانه

## یک روز در روستای سنگی کنار چشمه

معرفی ۶ جاذبه تاریخی، طبیعی و جانوری در یک روستای استان همدان

نامید. «ور» در گویش محلی به معنی «کنار» و «کانه» به معنی «چشمه» است و ترکیب این دو به معنی «مکانی کنار چشمه» محسوب می‌شود. برای رسیدن به این روستا از شرق شهر همدان و جاده ملایر خروجی سد اکباتان در اوایل جاده را پی می‌گیریم و بعد از گذر از کنار دریاچه سد اکباتان و روستاهای «یلفان» و «علی آباد» به دوراهی ورکانه می‌رسیم. ورکانه جدای از طبیعت کوهستانی زیبا و پر خوردار بودن از باغات دلپذیر از لحاظ معماری، تاریخ و طبیعت روستایی خاص و با قابلیت بالای جذب گردشگر محسوب می‌شود.

کوهستان الوند با قله‌های متعدد بالای ۳ هزار متر و دره‌های سرسبز و پر از چشمه، همچوار شهری است که بلندای تاریخش به دامنه‌های این کوه گره خورده. نام همدان همواره در کنار الوند معنا پیدا می‌کند. اما در دامنه‌های این رشته کوه روستاهایی زیبا با آب و هوای بسیار مطبوع وجود دارند و بیشتر این روستاها از لحاظ معماری، خاص و چشم نوازند. در جنوب شرقی رشته کوه الوند و ۲۰ کیلومتری شهر همدان در ارتفاع ۲۳۰۰ متری از سطح دریا، «ورکانه»، یکی از این روستاها قرار دارد که بحق می‌توان آن را نگین روستاهای الوند



## خاستگاه اسب اصیل ایرانی

نکته قابل توجه روستای ورکانه برای گردشگران علاقه مند به حیوانات، این است که این روستا برای اولین بار نژادی از اسب ایرانی - عرب را به دنیا معرفی کرده است. ماجرا از این قرار است که مری لیلی قره گوزلو (چهره جهانی پرورش اسب) دختر خان روستای ورکانه و تنها وارث دکتر نفی خان قره گوزلو، یکی از خوانین شش گانه خاندان قره گوزلو در این منطقه بوده است. این خاندان در دوره صفویه به منطقه همدان آمده‌اند و بسیار سرشناس بوده‌اند. یکی از آنها میرزا ابوالقاسم خان ناصر الملک، آخرین نایب السلطنه قاجار و اولین فارغ التحصیل ایرانی دانشگاه آکسفورد، دیگری امیر افخم شورینی حاکم همدان در دوران ناصری و بعد از آن است. خانم مری لیلی قره گوزلو در جنوب روستا اسطبل با معماری خاص ساخت و به تحقیق در خصوص اصلاح نژاد اسب ایرانی پرداخت و اسب ایرانی عرب (خوزستان) را معرفی کرد. امروز او را

## گشت و گذار در میان خانه‌های سنگی

خانه‌های روستا کاملاً سنگی و عمدتاً به صورت خشکه چین و از مصالح بوم‌آورد هستند. به عبارتی، تمامی سنگ‌های به کار رفته در ساختمان خانه‌ها از اطراف روستا تهیه شده‌اند. اما جالب آنکه، در هنگام تابش خورشید به این سنگ‌ها و انعکاس نور درخشان به نظر می‌رسند. سنگ نه تنها در پی، بلکه در قسمت اعظم بناها در ساخت دیوارهای باربر و دیوارهای محوطه و حیاط‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اکثر این سنگ‌ها هم سنگ لاشه هستند که توسط ملات گل کار شده و پهنای این دیوارهای سنگی در طبقه همکف به یک متر هم می‌رسد. تنها عامل اتصال در دیوارهای سنگی نیز استفاده از تیرهای چوبی است. راه رفتن در میان کوچه‌هایی با دیوارهای سنگی و درب‌های چوبی که آنها نیز عمدتاً از چوب درختان گردوی روستا ساخته شده‌اند، لذتی است که تنها در ورکانه می‌توانید تجربه‌اش کنید.





بریتانیا و نیز عضو انجمن دانشمندان نیویورک، بنیانگذار درمان پزشکی از راه دور، رییس بخش قلب و عروق انسیتیتو تحقیقات قلب دانشگاه اوتساوا (پایتخت کانادا) است. منزل کودکی او در روستای ورکانه هم اکنون به موزه تبدیل شده و مورد توجه علاقه‌مندان بسیاری است.

#### رنگ رودها و قنات و باغ‌های میوه

از دیگر جاذبه های روستای ورکانه می‌توان به جریان رودخانه‌های فصلی «سیمین» و «ورکانه» اشاره کرد. جریان دائمی آب قنات روستا و چشمه‌سارهای آن به ویژه در بهار و تابستان، طراوت خاصی به روستا می‌بخشند. باغات سترده گردو، زردآلو، انگور و سیب، هم حال و هوای منحصر به فردی برای ورکانه به ارمغان می‌آورند. کوه‌های اطراف روستا و دره‌های خان و جن، در فصول مختلف به ویژه در بهار که سرشار از طراوت و سرسبزی می‌شوند، مناظر زیبا و دل‌فریبی را ایجاد می‌کنند.

به عنوان بنیانگذار پرورش اسب اصیل ایرانی می‌شناسند و اسطبل او همچنان در این روستا مورد توجه علاقه‌مندان است. همچنین اسطبل قدیمی‌تر نیز در روستا وجود دارد که همچنان در آن به پرورش اسب مشغول هستند.

#### زادگاه مخترع قلب مصنوعی، موزه شد

«روپاهای یک چوپان» نام یک فیلم مستند کانادایی است که از سرگذشت نابغه علمی جهان پروفیسور توفیق موسیوند ساخته شده است. او متولد ۱۳۱۵ در این روستاست و تا سن ۱۴ سالگی در ورکانه ساکن بود. اشتیاق او به تحصیل او را به دانشگاه تهران و کسب بورسیه دانشگاه آلبرتا کانادا کشاند. او صاحب اختراعاتی چون بای‌پس قلبی ریوی، امکان تشخیص پزشکی از راه دور و تنظیم و معالجه قلب، تعیین DNA انسان توسط اثر انگشت و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر، عالی‌ترین مقام علمی جهان از انجمن سلطنتی کانادا و





## The happiness of being at Poonezar waterfall

The Poonezar waterfall located in a beautiful Valley of Poonezar in central Zagros. If you passed Fereidunshahr to the east, in a heart of mountain, you will see a beautiful waterfall called Poonezar, which is the high-

est waterfall of Isfahan province and the 6th highest waterfall of Iran. Gardeshgar prepare an article about a motorcycle tour to Poonezar that was organized the previous weekend.



## Turkish Airlines celebrated its 2 years operation in Isfahan

With existing services to Tehran, Tabriz, Mashad and Shiraz in Iran, Turkish Airlines added roundtrip flights from Istanbul to Isfahan from the Beginning of December 19th, 2012. In 28 of May Turkish Airlines celebrated its 2 years operation in Isfahan. Celebration held in Abbasi Hotel and Turkish airline gives some prizes to some Travel Agencies located in Isfahan, Kashan, Shahrekord, Shahinshahr, Khomeinishahr and Shahreza.

## Ace To Ace Expedition Crosses Iran

Pioneering British motorcycle expedition experts GlobeBusters have successfully led a group of riders across Iran, for the first time in four years. The Middle Eastern state of Iran was expected to be the most politically challenging of all countries on their current expedition, travelling between the Ace Cafe in London all the way to Beijing, in time for the opening of their officially licensed Ace Cafe. The British Foreign and Commonwealth Office advises tourists to avoid "all but essential travel" to Iran, but working with local contacts, the expert team at GlobeBusters established that groups accompanied by Iranian guides, keeping clear of borders with Iraq, Pakistan and Afghanistan would be fine. The securing of visas was a little more difficult, as there is no Iranian Embassy in the UK. However, they were able to obtain them from the Iranian Consulate in Istanbul. The group of fifteen motorcyclists, from the UK, Russia, Switzerland, South Africa and Australia, crossed the border into Iran without incident and spent eight days in the country, including a stop in the capital, Tehran. "Other than being in dire need of a real beer, it was a hugely positive experience"

reports expedition leader Kevin Sanders, who is riding a 1200cc Triumph Explorer GlobeBuster Special Edition adventure bike fitted with Continental TKC 70 dual sport tires. "There were no restrictions on where we could ride no police checkpoints, nothing but welcoming smiles and everyone wanting to practice English. City roads are crazy, but great riding over the mountains into Tehran. And fuel is only 20p a liter!" The group has now left Iran via its border to the North with Turkmenistan, as they continue along the famed silk road through Uzbekistan, Tajikistan and Kyrgyzstan. They will then enter China via the North Western Xinjiang province. Only then will they be able to focus on their final goal of reaching Beijing, where they will arrive in July after more than two months of hard riding.





“2 merchants from Netherland was our gusts. They speak French, very well. Then a Baghdadi Merchants arrived with her lovely wife. The European-Indian manager of Telegraph house was introduced to us and one of the richest man of Jolfa, whose son was married two previous days, came to invite us to his son’s marriage ceremony. Thanks to all people who had welcomed, us we were quite impressed. then we went to visit some cathedrals. The Holly father told us: “Time is the most dreaded enemy of eastern monuments. Our people are proud of their magnificent churches and I arranged some people in prayer part of the church. I’m glad that I am in charge of the temple and testify to the enthusiasm of a true believer. “

## Bike tour from Forest to Lake

Travelouge/ Ehsan Naji (Tour Guide): mostly ecotourists in Iran call Neor and Soobatan area as “Iranian Paradise”. It is located between Ardebil and Gilan Provinces. And if you visit the region, of course you will be agreeing with them! As you lead to Soobatan, you will see many cafes in the way. The road from Neor to Soobatan is very unique in terms of climate, scenery and beautiful flowers. Riding in a foggy road through jungle is an amazing experience you could have in the region. Also in there are copper mines, monuments and Shah Abbas caravanserai in prehistoric graves in a place called “Kandi” or “old summer village of Berzibel”. Soobatan village’s landmarks include Batman Bulaq spring (between Soobatan and Asbumar), the archaeological area of treasure house and main fountain of Salsal subterranean.



## Isfahan; A city full of gifts!

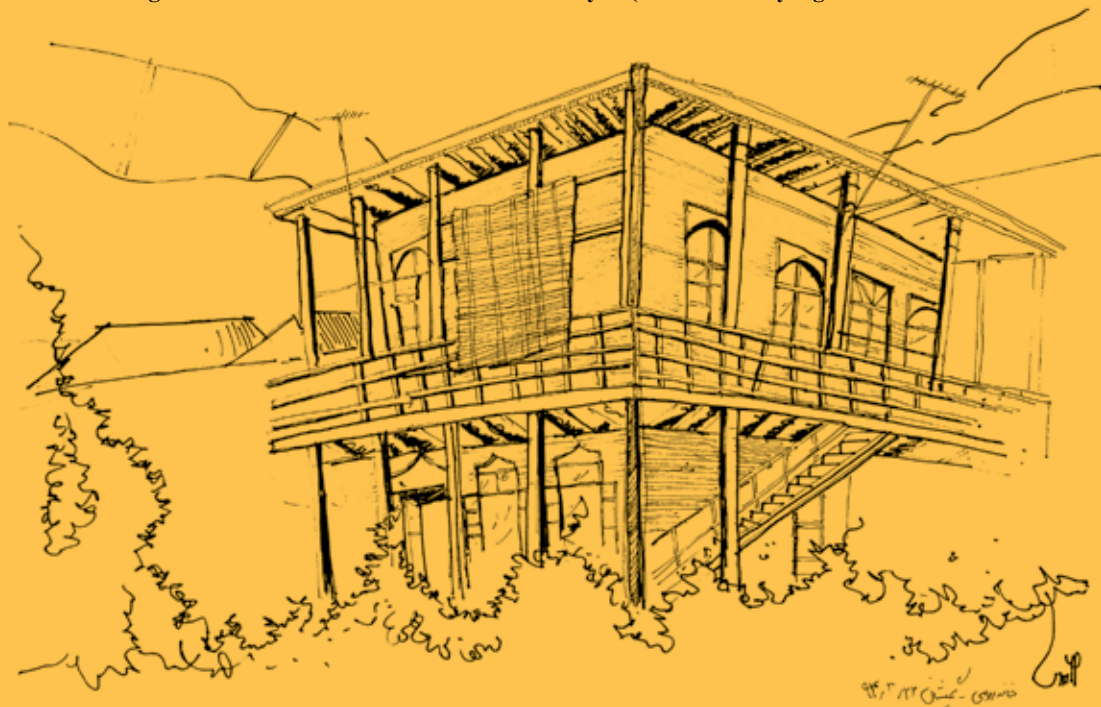
Historical travel diary/ Mahdi Tamizi/ cartoonist and Art researcher: About 550 years ago, the Italian ambassador went to Iran for negotiating with the King about the threat of the Ottoman Empire (Turkey) and asked Iran and Europe to put joined against the Ottoman. He was traveling around the country and writing the detailed itinerary that made us familiar with dark sections of our history. He wrote:”I am Ambrosio Contarini, son of Messer Benedetto. I was selected as an ambassador by the majesty head of council, called “Perigadi” to go to the court of famousKing of Iran,”Ozun Hassan”. And since I thinkthat the descriptionof this long and important travel may be interesting for the future, I’m going to describe briefly what occurred from the day of moving in “Venice” on 23 February 1473 (the first day of abstinence) to the

day back on 10 April 1477 and described the customs of the residentsfrom cities and provinces that I have passed.” He writes: “Isfahan seems a proper and good city. The city is located in a plain that there are all blessings in. It was said that the city was not submitted to Mongol Empire, after sieging it the more than [anywhere] had destroyed. Isfahan, like other cities is surrounded by mud walls [...].All grains and fruits that are produced here are grown by the irrigation. All kinds of fruit from the best have been grown here and I have not seen anywhere in the world better than those and never taste. Isfahan has been surrounded by the mountains in right and left directions”.



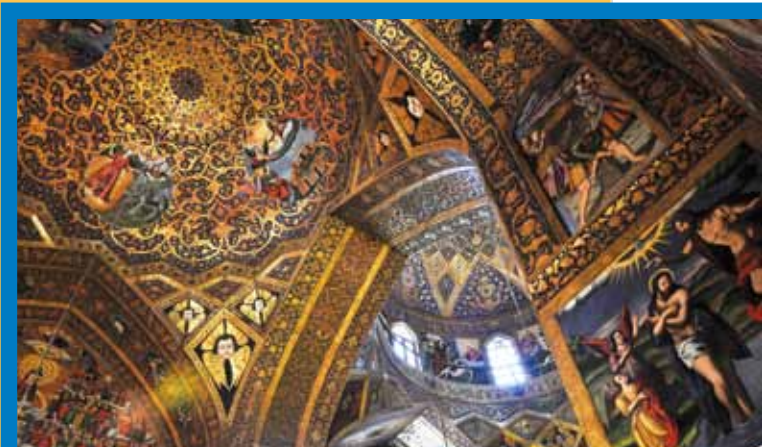
## Visiting the Turkmen homes

Architectural Travel/Maryam Abbasi (Architect): From Aq Qala to Gomishan, Near the Bandar-e-Turkmen and in the beautiful summer plains you can see “Oei”; a place for an expanded family where the families from a clan set up together the Oie and create “Ubeh”. In regions of Turkmen in northern of Iran and Golestan province such as Aq Qala, Gonabad, Bandar-e-Turkmen can be always observed by the tourists who loved to take photos besides local residents. Turkmen women can collect and re-establish the mobile homes within a few hours. This is the first and most important feature of Oei. Since Turkmen were being constantly moved due to graze their cattle, over time and due to thoughts that have been pushed from a generation to another. they achieve a structure that can be quickly set up and accumulate the home. In the architecture these artifacts are called “pre-fabricated”. After buying beautiful and reasonably priced crafts, we move from Monday Market and Offshore Markets in Bandar-e-Turkmen and sailing in the harbor to the north and continue the path to the north, called Gamishan and located in the most northern region of the eastern fringe of the Caspian Sea. Gomishan are Turkmen and naturally speak the Turkmen language but with a sweet accent and neighborly and friendly interact with guests and tourists. Turkmen living in the area can be observed in various lifestyles (whether to stay together or to move in the tribes).



## Time is the most dreaded enemy of eastern monuments

Historical travel diary/ Pari Zangene (Illustrator and Translator of French to Persian): Jane Dieulafoy was a French archaeologist, explorer, novelist and journalist who traveled to Iran Together with her husband in order to do historical research and excavation. They found numerous artifacts and friezes, several of which were shipped back to France. This week you can read the 5th part of her travel diary which is related to Jolfa, Armenian quarter of Isfahan, both in English and Persian. In the previous episode, we read that Madam Jane Dieulafoy attended a religious ceremony in a church. After the ceremony, women and artisans went out of the monastery and a group of people went in a large hall for greeting and talking with Holy Father where the Church's servants welcome them with tea. The Holy father announced several upcoming meetings and said:







© Reemt Peters

## 8 ON THE SIDE OF A CLIFF

**Aescher Wasserauen, Switzerland**

The Alpine altitude won't be the only thing taking your breath away at this cliffside chalet; the cable car ride up is just as amazing/terrifying. But even if you're wary of heights, the mountain views will be worth braving the trek.

## 9 IN AN AIRPLANE

**The Airplane Restaurant, Colorado, United States**

Used in the 1950s to refuel other aircraft, this Boeing KC-97 tanker has been converted into a fully functioning restaurant in which 42 people can nibble on all-American fare.



## 10 HANGING FROM A CRANE

**Dinner in the Sky, Locations vary**

Inviting friends to dinner is one thing, but hosting a fete, 160 feet up in the air? Now that's a party. Offered in several cities as a pop-up restaurant, this roving soiree straps participants to chairs surrounding a fully set table. This is a surrealist story of the kind Belgium loves so much. In May 2006, Hakuna Matata, a communications agency specialized in gourmet pleasures, and The Fun Group, a company specialized in amusement park installations deploying cranes, joined forces and made a child's dream come true: a flying dinner table baptized the Dinner in the Sky ([dinnerinthesky.com](http://dinnerinthesky.com)). Over the past years, Dinner in the Sky has criss-crossed the skies of 45 countries... In Europe, to be sure, but also in Australia, Japan, India, Dubai, South-Africa, Brazil, United States, Mexico, Canada... and China. Hide text Over the time, it has arranged more than 5,000 events in cities ranging from Paris to Las Vegas, as well as in Sydney, Cape Town, Dubai, Bogota or Sao Paulo.





### 3 Monal, Pakistan

This restaurant overlooks the entire capital city of Pakistan, Islamabad from beautiful Margalla Hills surrounding the city. After a long hike all the way from Daman-e-Koh at the bottom to Monal at the top, the views are known for refreshing your mind and soul. The restaurant's menu includes both traditional and foreign dishes especially Italian.



### 4 IN A CAVE

Grotta Palazzese Puglia, Italy

Tucked inside a limestone cavern, this summer-only spot (open May through October) has hosted elegant dinners since the 18th century, when Italian nobility held banquets in the space.



### 5 IN A REFURBISHED GREENHOUSE

De Kas Amsterdam, The Netherlands

In 2001, Michelin-starred chef Gert Jan Hagemen prevented this glass structure from being demolished and transformed it into a farm-to-table restaurant, where many ingredients are picked fresh daily from the garden outside.

### 7 IN A TREE

The Dining Pod Koh Kood, Thailand

The barefoot-chic Soneva Resorts are all about the surrounding turquoise waters, and the company has made water part of its commitment to doing the right thing. Soneva banned imported bottled water and instead sells its own water in reusable glass containers. The benefits are twofold: It eliminates carbon emissions from transporting plastic bottles, and 50 percent of the water revenue helps fund global water projects. More than \$600,000 has been raised so far, helping about 600,000 people in 52 countries.

### 6 ON A REMOTE ROCK

The Rock Zanzibar, Africa

What began as a fisherman's post off the coast of Michanvi Pingwe beach has become the location of one of Zanzibar's most iconic seafood restaurants. During low tide, guests can walk from shore, but during high tide, the eatery provides boat service.





# Top 10

Out-of-the-Way Restaurants  
That Are Vacations  
on Their Own



We love good food. But we can't lie—location matters, too. And there's no doubt we'd go out of our way to visit a restaurant in an amazing and unexpected location—like the ocean floor, perhaps, or inside an ice castle... this article wrote by Sarah Bruning, Condé Nast Traveler and was published in Huffingtonpost then we (Gardeshgar) translated it in Persian for our own readers.

## 1 UNDER THE SEA

**Ithaa Undersea Restaurant Rangali Island, Maldives**

Situated more than 16 feet below sea level in the Indian Ocean, this glass-enclosed spot cost about \$5 million USD to construct. Patrons can scope 180-degree views of coral reefs and a wide variety of fish, as well as manta rays, sharks, and other aquatic inhabitants. The estimated life span of the restaurant is 20 years.



## 2 IN A NICE CASTLE

**Lumilinna Snowcastle Restaurant Kemi, Finland**

Don't even think about ditching your coat once you're inside; the food served may be warm, but the temp at this eatery is a steady -5 degrees Celsius (23 degrees Fahrenheit). Typically open from January through April—for as long as the weather hovers around -8 Celsius (about 18 degrees Fahrenheit)—this icy architectural wonder is reconstructed every year from a special set of molds.





# GARDESHGAR

Travel All Around the World with us :)



▲ "Isfahan from travelers point of view" painting Exhibition



▼ Miankaleh peninsula, Iran

▼ Ramadan, A month of Halal Travelling



▼ Kohkade Waterfall, Iran



▼ Travel to Rudkhan Castle, Iran



**Gardeshgar (Tourist)** is a semi monthly journal, belongs to Isfahan-e Ziba newspaper and dedicates to travel. Gardeshgar is published 2 times a month; one in the first and another in the second half of it.

Gardeshgar is released by Isfahan-e ziba newspaper. Isfahan-e ziba newspaper is published by municipality of Isfahan and **Dr. Sayed Morteza Saghaian-Nejad**, the Mayor of Isfahan.

Editor in Chief **Rezvan Asghari**

Managing Editor **Nafise Hajati**

Public Relations **Akbar Mantashlou**

Graphic Designer **Mohammad Hasan Latifi**

Gardeshgar Reporters and Coworkers **Hamidreza Nikoomaram, Mahdi Tamizi**

**Pari Zangene, Alireza Damadzadeh, Ehsan Tahvilian, Ehsan Naji**

**Maryam Abbasi, Maryam Momeni, GhlamReza Khalil-o lahi**

Persian to English Translator **Rezvan Vatankhah** English Editor **Sorur Rezaie**

Editors **Somaye Hafizi, Maryam Moshirpanahi**

Address **Second Floor, Isfahan Municipality Media building,  
Taleghani Street, Imam Hossein Square, Isfahan, Iran**  
Phone **+98-313-2229512** \ Email **gardeshgar.isf@gmail.com**

Cover Photo **Rudkhan Castle, Gilan, North of Iran** By **Nafise Hajati**